



بسم الله الرحمن الرحيم

اما بعد حمد الله كالحمد المعين والحمد لله على ما لا يحصى من نعمه
 ال رحمة الله العتيق محمد وآله من العالمين على ما لا يحصى من نعمه
 يا اخلافة الدين ورفقاء بني البقيرة صحفكم تلو عليكم فصولا من صياح
 اللطف الخبير وتجلو لديكم اصولا من تشرح العالم الكسر والصفير
 انما سؤ غوا اظهاركم لمن لا يعرف مقداركم ولا تبرزوا ما من
 جماله الى من ليس من رجاله لا تسبحوا بها على ذوى الطباع
 اجال من الطلائع فتكونوا كمن على الدرر والاعناق والطلائع
 وسيتب تشرح العائز ورتبها على مقدمه وسالتر مقدمه
 قد اشهد الله انكم من العوام على قباله من لا خبا المنقولة عن الامام
 ان من لم يعرف الجيب والشرح فهو غير معرفه الله وعلى كل حال فهو
 مما اذ عن كهيئة الولاكاست ولم يخافكم في التصديق بجملة الارواح

كتاب
 في
 بيان
 حقايق
 الدين
 وال
 اخلاق
 من
 قلم
 محمد
 باقر
 المجلسي
 في
 شهر
 ربيع
 الثاني
 سنة
 1200
 هـ

علم رسر سر به سر قیل است و قال انه لئو کیفیت حاصل ، نه حال
 طبع را افسردگر بفسد مدلام / مولو سواور ندر لرد ایخ کلام
 علم نبود غیر علم عاشق را اما بقر تلپیر لبلیسر شقر
 سیند لمر خالدر ز مهر گلر فایخ اکهنه انبانر بود پر استخوان
 دل که فارغ شد ز عشق کایخ نگار اسنگ استعجار شیطانر شمار
 وایخ علوم و ایخ فیالات و صور افضله شیطان بود بر کایخ مهر
 شرم بادت زانکه دادر لرد غل اسنگ استعجار شیطان در بغل
 نوع دل ، از ففله شیطان بشور لمر مدر سزا در سر عشق هم بقور
 چند چند از حکمت یونانیخ / اصقمت ایمانیخ را هم بدایخ
 دل منور کج به انوار جدر اچند باشر کاسه لیسر یوعدر
 با دف و نردو شرایخ مرد عرب لوه چه خوشتر گفت از روبرطرب
 ایها القوم اللذر فر لمدرسه اکتما صفتتوه و سوب
 فکرتکم ایخ کایخ فر غیر الصیب اما لکم فر انشاء الاخر نصیب
 ساقیا یک جرعه از جام قدم ابر بهائیر ریز از رور کرم
 تا کند شوق پرده پندار را / هم به چشم یار بیند یار را
 هر که را توفیق حق باشد دلیل / عزتتر بگزید و رست از قال و قیل
 چون شب قدر از همه مستور شد الا جرم از یارتا سر نور شد
 اسم اعظم چونکه کسر نشناسد سراسرور سر کل آسا باشدر
 تا تو نیز از خلق پنهانر همرا ایلد القدر رو اسم اعظم ...
 عالسر فو اهام از یخ عالم به در آتا به کام دل کنم خاکر به سر
 تا نساز سر خود آسایسر مدرام اکثر توانر زرد به راه عشق گام
 غیر ناکامر در یخ ره گام نیست / راه عشق است ایخ ره صمام نیست
 رو قناعت پیشه کج در کنج صبر ایند خود گیر است از سگ کایخ میر گبر
 عابد ردر کور لبناخ بد مقیم ادر یخ غار سچو اصحاب الرقیم
 رور دل از غیر حق بر تافته اگنج عزت را ز عزت یافته
 روزها مر بود مشغول صیام ایک ته ناخ، مر رسید شوق شام
 نصف کایخ شامترید و نصفر سوراوز قناعت داشت در دل صد سرور
 بر همین منوال حالت مر گذشت / نامد مزایخ کوه هرگز سور دست
 از قفا یک شب نیامد کایخ رغیف اشد ز جوع کایخ یار سا ز لرد و نصیف
 کرد مغرب را لردا کایخ عشا / دل پر از وسواسر در فکر عشا
 بسر که بود از بهر قوتش لفظ لرب / انه عبادت کرد عابد شب نه خواب
 صبح چون شد مزایخ مقام دلپیزیر ابر قوتش آمد کایخ عابد به زیر
 بود یک قرینه به قرب کایخ جیل / اهل کایخ قرینه همه گبر و دغل

و اینک به گنجها رساده گذاشته ام میرسیم که گنجینه ها سزرگ مرا نجویید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هذا کتاب کتب نامه وزیر می امید از خداوند
جو نیکو کاران موفق میشوند بحول الله تعالی
۱- لاریزان غار دره لاریسنگ سفید است
مثل صندوق زین جهان سنگ یکدیگر زانما تیر
۲- لاریو آسیاب چاه است طاق تن تن
از میان چاه بگوش می رسد میان ان چاه اموال
بسیار است سنگ لاریو کوزل دره سر کوه
برجی دارد دیوار دارد میان دیوار سنگت
علامت شتر بر او نقش است پیشست
سنگ یک دیک زانما تیر وزیر است
هم ترغ بکنند

۳- رهنه سنگ لاریسنگ در اوزار اول
کونی در سنگ یک ساخته اند صورت قبر در ان
بقعه است هم ارج قبر بجاوند یک دیک زانما
وزیر است ۵- کلار سر که اولی لاریسنگ سفید
دارای بالای چشمه بیکو یک است بالای چشمه
است زین ان قبرها خزان است ۷- لاریسنگ
بقعه ملک خزان است هم وایره سنگ حیدره اند
هر که ام ده زرع حاصله است سنگ چین اول
۳- ارض بجاوند یک زانما است لاریسنگ
لاریسنگ تان کند در در قبری است با سنگ و یک
ساخته اند ۳- ارض بجاوند یک زانما است
کل رود سر راه چشمه دارو بالای چشمه بیکو یک
روی چشمه سنگ مثل سنگ خزان روی انها اسم
اموات کنده شده شش ارض بجاوند خزان
طهورت است بردارند

۹- کل رود سر راه چاک کما خرد و سنگت سفید نگاه
خانم کونی زین سنگ لاریسنگ بجاوند یک دیک زانما
۱۰- لاریسنگ بجاوند و در طرف لاریسنگ بجاوند
هم قدم بالاسر چاه سنگت بطول هم چارک
عرض و یک زرع طول نقش آجر بزرگ با کنگره
اند و بخریب نگاه میکنند زین جهان سنگ یکدیگر
زانما است ۳- زرع بجاوند ۱۱- لاریسنگ بجاوند
در چهل بره در آخر دره در بلندی چشمه دارو ارض
رو بخریب جاری است سر چشمه سنگ بجاوند
است نقش قرانی وارد ۳- زرع زین اوزار
بجاوند یک دیک زانما است ۱۲- لاریسنگ
آب سفید که از دیوار آسیاب میاید کنار
آب یک قبر وارون است قبر را بکنند
یک کوزه زر امانت وزیر است

۱۳- لاریسنگ سفید چاقی است سیلاب جمع
میشود بالاسر آب را می که بر تیر مردم قبر
۳- قبر را ۳- ارض بجاوند در هر قبر یک طرف زانما
امانت وزیر ۱۴- لاریسنگ بجاوند کنار رود
خانه و کنار راه دارو خانه پیش روی راه دارو خانه
دو سنگ سرخ و سفید نقش نشان کنده اند
یک سنگ نشان انشت در در زین جهان
سنگ یک حلیان زانما که حفرت امام حسن
امانت وزیر یک زرع نیم بجاوند ۱۵- لاریسنگ
در چپ کرده و سنگت مثل کسکول شکل
خوک بر ان نقش است ۳- زرع زین اوزار بجاوند
یک دیک زانما تیر امانت بهرام کور است بی خلاف
۱۶- ارض بجاوند میان سنگ بزرگ بجاوند خوک
دارو زین اوزار یک کوزه زانما یک زرع بکنند

۱۷ لار در آخر دره کل چشمه دار با لاسر
چشمه نیکت نشان فعل اسب دارد زیر
سنگ ایک زرع بجاوند یک کوزه ز امانت زیر
۱۸ در جل بره لار در آخر دره بالای ملبندی
چشمه جیاش درو با قناب غروب جاری بالای
چشمه سنگ سیاه نقش کتاب دارد زیر سنگ
یک زرع نیم بجاوند یک کوزه ز امانت زیر است
۱۹ در هل زمان لار در وسط دره یک چشمه
است طرف شمال تپه جای ساخته آن
رو قبلیه چشمه است بالای چشمه سنگ زر
است هم پارک عرض یک زرع نیم طول
نشان شاخ دارد سمت قبله سنگ بجاوند سنگ
سینه زنگ پیدا شود زیر او چشمه صدی سیران در چشم
است

۱۶ کندیل دره لار آخر دره در بلندی سینه کوه
سنگ سیاه است وسط سنگ از زیر شکر کاج حیوان
نقش کوزه آن طرف مشرق سنگ بجاوند سنگ
دیگر پیدا شود که در سنگ بر دارند یک دست
۲۰ لار در کنار رودخانه آبرو قبرستان قدیمی دارد
وسط قبرستان مثل سنگ است شکل تخت
میان تخت بجاوند یک دست است ۲۱ لار
مرغ سر شیت مرغ سر جانی است سیلاب جمع
میشود کنداب کونید وسط کنداب کوره را می
رو بر تپه صید بالای تپه رو قبر است هر دو قبر
بجاوند یک کوزه ز امانت زیر است ۲۲ لار
آب سینه که از دیوار آسباب می آید کنارش
هم قبر است قبر وسط را بجاوند یک کوزه ز امانت

۲۴ لار راه دارخانه زیر دست او غاری است
سمت غرب سنگ سینه جلوی در غار سنگ دارد
کنند داخل غار هم اطاق است اطاق اول
درش دست چپ اطاق دوم دست راست
اطاق سوم رو قبلیه درش باز میشود هم اطاق
از وسط بجاوند زیر زمین غلام شود زیر زمین
کنج است یکی شمش طلا یکی سینه یکی ساس
وامانتی از بنی اسرائیل در اقیانوس وجود است
۲۵ لار راه دارخانه زیر دست راه دارخانه قلعه
قدیمی دارد علامت ساخته آن دیده میشود
میان ساخته آن نا قبر روی هم یک قبر از اترس
سنگ شمش روی آن صد هزار تومانی ارزش دارد
در حوض قبر زرع و در قبر برادر اترس اسطی
قیق و زر در که زیار و جوام موجود است

۲۶ لار در که در شست تپه است طرف مشرق
تپه را بجاوند آسپا فو باوش است بر دارند ۲۷
لار در قوت کل که قلعه خراب است سمت مشرق
شیت دیوار سر تپه سنگ است قنبر سنگ خون
زیر همان سنگ یک کوزه ز امانت زیر است
۲۸ لار مرغ از زیر یک رودخانه چشمه است
بنام چشمه خونی سنگ است بنام سنگ خونی زیر
سنگ ده هزار اتره فر امانت زیر یک زرع نیم بکنند
۲۹ لار در آخر دره کل چشمه که آب بالا چشمه سنگ
نشان فعل دارد زیر او بجاوند یک دست
علامت ذغال پیدا شود زیر او ایک زرع نیم بکنند
۳۰ لار در شست کرماب سر راه لار است
بدر لار بالای بنده تخت ساخته آنه سر کوه غارا
چهار طرف تخت کنگنه هم هست بر دارند

۱۴۴ لار راه دارخانه زیر دست اوغاری است

سمت غرب سنگ سفید جلوی در خار سنگ ارد
کنند داخل خار هم اطاق است اطاق اول
درش دست چپ اطاق دوم دست راست
اطاق سوم رو قبیل رزش باز میشود هم اطاق
از وسط بجاوند زیر زمین ظلم شود زیر زمین
کنج است یکی شمش طلا یکی سفید یکی ساسک
وامانتی از بی اسرائیل در باقی موجود است

۱۴۵ لار راه دارخانه زیر دست راه دارخانه قلعه
قدیمی دارد علامت ساختن دیده میشود
میان ساختن نا قبر روی هم یک قبر از اترس
سنگ شمش روی آن صد هزار تومانی ارزش دارد
در حق و قبر زرمج و در قبر برادر اترس اسط
قیع وزر و سنگ زیاد و جواهر موجود است

۱۴۶ لار در کمر دشت تپه است طرف مشرق

تپه را بجاوند آسپا که فریادی است بر آرد
لار در وقت کل کج قلعه خراب است سمت مشرق
شیت و یوار سر تپه سنگیت قمر سنگ خون
زیر همان سنگ یک کوزه ز امانت وزیر است

۱۴۷ لار در مغ از از نزدیک رودخانه چشمه است
بنام چشمه حونی سنگیت بنام سنگ حونی زیر
سنگ ده هزار اشرف امانت وزیر یک زرمج نیم کنگنه

۱۴۸ لار در آخر ده کل کج چشمه آب بالا چشمه سنگ
نشان نعل در روزی اورا بجاوند یک در یک است
علامت زغال پیدا شود وزیر اورا یک زرمج کنگنه

۱۴۹ لار دشت کرماب سب راه لار است
بیدار در بالا ای دشت ساخته اند سر کوه غارا
چهار طرف حفره آنگیند هم به است بر داند

۱۵۰ لار در کمر دشت لار در بلندی قبرستانی دارد طرف

قبله قبرستان هم تپه کوچک است سمت شمال
قبرستان در تپه قبرستان است هم به است با اسرار
سنگ چین کرده اند سنگ چین را خراب کنند
بد فینه میرسد پای تپه چشمه آب هم در در ^{۱۵۱} سب راه

اول کوه کبود سنگیت قلعه سنگ میگویند
زیر سنگ ۲۰ زرمج کنگنه یک یک ز است ^{۱۵۲} لار در قد
لار براه آبی در در از هر زده آب گوش خراب هم جلوی

خراب هم قبر است هر دو قبر آنگیند و فینه ^{۱۵۳} لار در
کمر دشت لار که شهر بوده وسط لار جای وسیع
هم هزار قدم وسط او تپه است کوچک طرف مشرق

تپه سنگ بزرگ است زیر سنگ ۲۰ زرمج کنگنه
یک سنگ سیاه است زیر شتر آنگیند یک
خم زر و یک طوق طلا است

۱۵۱ فوج خانه یا قوج خانه لار جنب چشمه در چند علامت

برج قدیم است رو بروی برج ۳ تپه است طرف
قبله تپه سنگ بزرگ است زیر سنگ قبر است
۳ زرمج کنگنه یک زرمج است ^{۱۵۲} ایضا قوج خانه

چشمه و چشمه دارد جای یک برج که ساخته اند
پیدا است تپه فامی شده راست برج ۳ قبر دارد
از طرف قبله قبر آخر کمر سمت قبله است سنگ

بزرگ است زیر سنگ قوی قبر یک مجید بر
از اشرفی است ^{۱۵۳} کل کج لار یازده قدم
از آستانه بر در از هم اترس بجاوند یک در یک

۱۵۴ اول زنان لار وسط دره دجل زنان تپه است طرف شمال
که یک طرف آن تپه جای برج و ساختن دیده پای تپه رو بروی چشمه
چشمه آب کما چشمه سنگ زرمج نشان دارد ^{۱۵۵} لار در
سنگ از طرف قبله هم زرمج کنگنه ختمه سنگ زیر شتر ^{۱۵۶} ختمه سنگ
در او پیشتر سنگ ختمه و قوی فولاد بر طلا هم سنگ طلا
هم طوق طلا است

۴۸ در میک دره لار در دره شرقی طرف شمال دره بالا
دست پیدا است که از چاه با بلند تر است سنگی انجا است
در طرف قبله سنگی از رخ بکنند سنگ سیاه صاف میسر در
سنگ کوچ کاری است توی که یک کوزه زر است
۴۹ در شرق لار وسط لار که میان شهر و بیای وسیع
قدیم از رخ است وسط شهر تپه کوچکی است
طرف مشرق تپه سنگ بزرگ پیدا است آن سنگ
بزرگ را نند از رخ بکنند سنگی پیدا شود مثل قبر سیاه
زیر سنگ نقیب است داخل نقیب میشوی
و چشمه بزرگ است در آن چشمه یک ضد و ق
بزرگ بر از اباب طلا ۲ فرم زرد بود چشمه مشرب
طلا ۳ شمع در آن طلا و یک کا و طلا موجود است
لار در هم در قمران سر جاوه سنگی است که سنگ
با ون شهر است زیر پای سنگی از رخ
بکنند یک کوزه زر که سماه اسمعیل صفوی

۴۴ در لار قبرستان و قلعه است مشهور و قبله دختر
از مال بی اسرافیل در قبرستان چهار طاقی است
واقع در سر بلندی توی چهار طاقی قبر است
و از روی سنگ قبر شکل کشیدند از قبر بکنند
یک جام طلا پیر از جوهر هفت رنگ است از رخ بکنند
۴۵ در چشمه شاهی در همان مکان که قبرستان است
توی دره جای عمارت و باغ است چند درخت کهن
سال هم پای عمارت و چشمه آبی هم از عمارت
بیرون می آید زیر ساحت همان عمارت از رخ بکنند
نقیمی پیدا شود چند زیر زمین است در آن
و بنا در آن زیر زمین است خلاف ندارد
۴۶ قدم کا لار و بروی امام زاده سنگی است که
با و کنده شده یک زرخ زیر سنگ بکنند یک کوزه زر است

۴۷ در روز دره لار چشمه آب است بالا است
چشمه جای وسیع است طرف مشرق چشمه سنگ
شکل طلاوس با و کنده آن یک درخت کهن سال
رو بروی سنگ است با ندره نیچ قدم از سنگ در آن
یک است سنگ شکل کیوه که از آن یک است
حفظ خارج یک طرف شکل بت از طرف بت
نیم زرخ فاصله از سنگ بکنند یک سنگی بر از
زر است ۴۸ سر راه لار خاقون بارگاه در سر
پشته سنگیست تراشیده نشان هم دیلم زده آن
و سوراخ و از نشان از دور پیدا است زیر سنگ
از طرف کوه خالی کنند تا یک زرخ بدین حد
۴۹ لار دره چلیکو قبرستان قدیم بوده پامال شده
سمت مشرق او سنگیست صورت شتر از در زرخ
فاصله از سنگ سمت قبله بکنند هم فرم زر است

۴۸ لار در خانه غاری دارد داخل غار شوی
طرف مغرب الطاق کوچکی است در آن اطاق
چاهی است ۹۹ پله دارد تپه چاه را بکنند
۵۰ جعبه جوهر و سکه زیاد است لار راه دار
خانه قلعه قدیمی داشته نزدیک قبرستان وسط قبرستان
چهار طاقی از زردشت بگرفتند در آن چهار
طاقی دفن است دو سنگ بزرگ در قبر کناری
قبر فخر است ۳ مرد و هم زن دولت یک شهر در آن
قبر قدیم زختر سنگ بزرگ و صورتی از مرد و پسر او
نقش است همان سنگ بزرگ روی پنج رنگ
اشرفی است ۵۱ لار غوش خانه چین زار
میان چمن تپه بلوی تپه چشمه طرف است چشمه
رو قبر است مرد و قبر را بجا و نرسند فلان مشهور
زیر او یک جعبه جوهر است

سنگه نقره شمشیر علی شرازه بالا کوه قلعه است علامت
شرازه کهنه شده نقره زمین است عارضش یا نقره روز ۳
تا بویست چهل گونه رزاق است مقصود شرازه بخره است
از بیل تا بویست و لغزش استنداه شده

۱۱ اجهر آباد دماوند غار پهلوان وسط غار ابا ابر
فرش کرده اند اما کمانرا شبکانه یک رنگ از امانت
سنگ دماوند آبادی بوالقی امام زاده است بنام رود
و یک ماران ان مقبره را بجا و نقره بوالقی در آب کرم
لاریجان دماوند است ۱۲ مراد دماوند یک قلعه
خرابه قدیمی در حوالی ان قلعه قبرهای قدیمی و بعضی
سنگ چینی است ان سنگ چینی را بکنند
دینه دارد وسط قلعه را بکنند بدین سیرد ۱۳
دماوند دره دراز در حوالی این دره سنگیت زرک
علامت دوپچی روی سنگ سفید کنده اند زین سنگ
بکنند خزان سیرد ۱۴ امام زاده باج دولار در
آب کرم لاریجان دماوند است زیر امام زاده
رین زمین دارد خزان شاه عباس انجا است

۱۵ حیدر آباد دماوند یا سنگه کام بالای جاده رود قیل
سنگ پاره رنگ نشان خنجر یا کهنه اندام ابرج زرا و را
بیکار و یک رنگ زرا است ۱۶ در حوضک دماوند چشمه
است بالای آبادی و دره دراز و منتهی و یک چینی
دراز در دست چمن سنگ کچی رنگ طرف شمال
چشمه کچی درم بالای چشمه وسط سنگ ادرابج
بیکار و یک رنگ زرا است ۱۷ بوم سیرد راه
دماوند تپه دراز مشهور بر ادا تپه سران تپه سنگ
چینی است سنگ چینی سفید کنده در تپه است
بیکار طرف راه دماوند خور تپه چور است از سران
تپه نام نزع بکنند دینه و اسباب زیاد است
دماوند سر از سر کوه که هر آبادی مردم تپه است راه از وسط تپه
سر در تپه را بکنند سنگی بسید شود نقش آه در او چهل
قدحی سنگ رو بقیله را بکنند یک رنگ زرا است

در کردن چشمه زاغ و ماوند قبر است و اروین
با یک و ساروج درست شده آن قبر را بکنند یک جبهه
در او یک کتاب قیمتی است که در یک
یارت و ماوند در هوار می کند گو یک است بفاصله
یا در کام بالای جاده شاهی که برت میسازند خاک
خاک او قور نکست یک سنگ سهاشی رنگ بالای
پند است نشان تبریز در درین سنگ ادرج میکنند
یک طاس زر است که در درون آن یک
امام زاده دارد بالای پند مثل یک دیگر یک
میان پند قبر است از سنگ و یک در آن
کنند یک یک زر است اینها قبر نیست صورت قبر
ساخته اند که آب سرد و ماوند پند گو یک
گور رنگ است که در جاده رو قبلیه سنگ
سهاشی نیز او یک یک زر است یک زر هم میکنند

۶۵
در او مشرق سنگ کمان یک قدم نین در اوج
سجا و نزدیک کشکول زر است که بوم بند
و ماوند چمن هشتاد امام زاده دارد وسط امام زاده
را بر زرع میکنند هم زر است که بوم بند قبرستان
کنند و در سنگی انجا است خط کوفی با کوزه اند
نیز او را میکنند کوزه زر است که چمن هشتاد
و ماوند نزدیک امام زاده پند است بلند و بزرگ
پای پند چشمه آب است که در آن درخت خیار
پار درخت یک طوق طلا یک کوزه طلا یک خفت
باز و بند است که چمن هشتاد و ماوند چمن
از کوه در آن طرف و ماوند روی کوه در آن طرف است
سکایه بزرگ که جاده چشمه سنگ رو شمال خط
میخ دارد نیز سنگ یک یک میکنند یک یک زر است

۶۶
آب سرد و ماوند پند در درون یک صندل هم نیز
جاده شاهی که پند است سنگ سهاشی رنگ
نیز یک یک هم زر است پنج ارش سجا و بند
آب سرد و ماوند رای که سگیان و ماوند هم رو توی
دره سنگیست سهاش رنگ نشان هم در اوج
نیز او را ادرج میکنند یک زر است که
کند آب و ماوند یا صندل مانده با جادی حیدر آباد
یا سینه آبار و مشرق بانزده قدم بالای جاده رو
قبله ده قدم نین روشترق سنگ سهاشی رنگ
نشان خنجر دارد نیز سنگ ایم ارش سجا و بند
یک طاس زر سرخ است که در و بند جان
کند آب پند است گور رنگ که قدم نیز جاده رو
بقبله بالای پند سنگ کاشی رنگ نیز سنگ لایح
شاهی میکنند مقصود حاصل است

۶۷
لا جا چون سر نین ان و ماوند یا صندل مانده
نیز آدای پند است خاکشی قور رنگ بالای پند
هم قدم قبر میانی سنگس سهاش چهار ارش سجا و بند
یک یک زر است که سید آباد جا چون سر نین ان
یا صندل مانده با جادی روشترق بالای جاده
سنگ سهاشی نشان خنجر دارد نیز سنگ لایح رنگ
در همد آب سرد و ماوند پند گو یک کور رنگ بالای
پند سنگ شاهی نیز سنگ لایح کوزه زر است که
در قبرستان امام زاده و ماوند سنگیست نشان هم الف
در درین او را میکنند یک کوزه زر است که لایح
و ماوند چشمه دارد و قبلیه رجمواری که کام بالای
چشمه سنگ لایح کوفی نوشته شده چهار ارش
نیز او را میکنند و پند است

چشمه آبی دارد روغن قری جاری ده کام بالای چشمه
سنگی نشان کمان دارد روغن قری سنگ کمان
یک قدم مانده سنگ در اوج بکاو و نه یک گنگول
طلسم دارد در ده قافرا خوانند **۱۱۱** کیل یارت و مانده
چشمه نامه شهر است سنگی قدم بالای چشمه
روغن قری تپه خاک سیاه رنگ بالای تپه سنگی نشان
قوج دارد رو قبله همان سنگ را هم از پیش کلبه یک در آن
۱۱۲ مانده قلم است بنام دیو طایا یا دیو طایر
قلم را یک زرع بکنند یک دیک زرع کنه پنجم
در کوه دمانه قبرستان است مال آتش قبرستان
چند قبر است آن قبرها را بکنند جوار کران بجاوانگستر
قیمت بدست آید

رو بکوه چندی دارد بالای چشمه غار است ده قدم بالای
غار سنگ بزرگ است زیر سنگ در زرع کلبه یک سنگ
کی چشمه **۱۱۳** مانده او ده گاه مانده قلمه بزوان قبرستان
از رگه قلمه که در ارضی هم زرع فاصله قلمه را بسن
بدر بزرگ زمین سیر به با سنگ بزرگ ارا که قدم اند سنگ
بر در در داخل بز زمین هم دست اسطوخودوس است
۱۱۴ ایضا در برج چون قلمه در آن برج در دست است
درجه یک زرع است **۱۱۵** مانده سیمان دره بالای
دره قلمه در آن قلمه است در آن قلمه
و ملوقی طلا در کون است **۱۱۶** در آن قلمه
قیمت شهر در بخت کاه و روی تخت سنگ است
زیر سنگ است از پیش بکاو و نه یک طایان زرا

کیل بار در مانده تپه هودی روی تپه سنگی ملوق
زیر سنگ از زرع کلبه قیمت شهر است **۱۱۷** اسطوخودوس
تپه قهر اصلان از رگه آن قهر و در ارضی سیم
رو با قصاب اطاعتی است ششم در دست و در جوار
نشان ولوی از نوالا و یک زرع شایه بودی
شور و خطر دارد **۱۱۸** ترسیان یلنگ دره قلمه
مدوری است روی قیمت هم قبر است در آن
یکی از آنها کج کاری است زیر سر اورا بکاو و نه یک
طاس از و کلو بنه جوار است **۱۱۹** قلمه
کیکاج در شاه نشین قلمه بز و بز زمین است
در لوی بنک شیم و قیمتی خط منجی روی او
کنده شده بز او یک زره قیمت و یک زرع
۱۲۰ با طوقالی مانده است که یک تاک بزرگ است
در دست و در بنامی آن خاک را بکنند بکنند یک دره


۱۲۱ کلا کمان و تپه کوجک است در جوار بی با قدم
قدم بالای در جوار نشانی خاک قوز رنگ یک سنگ آبی
بالای تپه است نشان تپه بزین در از زرع در اوج
بکاو و نه یک طاس زرع است **۱۲۲** مانده قلمه در
شهر و زرع قلمه در آن قلمه تخت است زیر آن قهر
بکاو و نه یک یک زرا مانده از زرع است **۱۲۳** کلاک
رومانده بالای **۱۲۴** چشمه است شهر به اندر چشمه
سوی قدم فاصله از چشمه بالای آن روغن قری فاخته
سیاه رنگ بالای تپه سنگی نشان قلمه قوج باو
کنده اند رو قبله بز آن سنگ را هم ارج بکنند کج زرع
سنگی کیمان **۱۲۵** کلا کمان و نه بد به صبر زرع ستر راه
سنگی سیاه مثل قبر زرع نقش کاه و کوی
از زرع آن سنگ از زرع بکنند یک دره

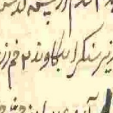
۱۴ سروراه کیلان دماوندی است قمرزنگ
 رو قبل چهارزنگ بالا به است و سماخی یکسده
 و یک کبود زنگ کبود را در اوج یکاوند یک پارچه
 ۱۴ سر نبرد سرک دماوند یک قبر از راه رو شمال
 قبه قمرزنگ جاوه از روی قبه دماوند سرورنگ
 سیاه روی قبه خط کوفی دارد در هر طرف ۳۲
 ۱۴ قبه سنگ سیاه نشو در زیر او را یکاوند یک کوزه زرا
 ۱۴ دماوند باینس سیاه سنگ و کیل یارت کنار
 قبه است بالای قبه صورت قبر است با سنگ
 صورت قبر است کوزه اند یک زرع فرورنگ
 است نیز زرع قباوه اطاق است ۳ فرورنگ
 در قلعه قباوه بزرگ برجی دارد ۳ مرتبه طرف شرق
 برج دارد زرع یک کینه باطاق میرسد ۳ فرورنگ
 که در قباوه

۱۴ سروراه کیلان دماوندی است قمرزنگ
 داخل شمشیر و کوه دماوند تلی دارد فال از قمرزنگ
 پنج از شمشیر از وسط سیاه و نیکم طلا با خوس طلا
 ۱۴ همان قبه را ده زرع یک کینه اطاقی است جوامر
 و اسباب زیاد است میان اطاقر یک کینه صیقل
 فریدون بوده داخل شعور کهنه نام نایب میر الدین
 ۱۴ کیل یارت قبه از یک زرسیده سر نبرد یک کوزه
 چشمه دارد در کلام مانده به قبه است معروف قبر
 و معروف به قبه سر نبرد به قبه است قبر وسط اهل
 ۳ فرورنگ و در گوش ۳۲ انضمامان قبه کوچک
 در بهار اطراف آن کلاه نبرد افراستگشت نشانی
 نشان دارد در هر طرف یک کینه زرا است
 جایون دماوند سر نبرد چشمه دارد از چشمه شمال چهل
 قدم کشته سنگ چینی است میان سنگ چینی لاسانید
 یک زرع یک کینه زرا است

۱۵ جاپون دماوندی است برایش فرورنگ کوه میر و دهکام
 مانده جاوه یک قبه دارد یک کوزه سنگ غنچه کرم
 سنگ وسط شکل دارد در هر طرف ۳۲ از شمشیر
 دو فرورنگ است سنگها بالای قبه است ۳۲ دماوند
 در کینه زرع قبه قمرزنگ کوزه کوه زرشک
 بالای کوزه زرشک قبر است قبر ایش از نشانی
 یک زرع زرشک یک طیلان زرا است
 ساران کیلان دماوند قبرستان کینه دارد مکانی
 است شب چرخ روشن میکند مکان
 جراغ از زرع کینه یک کوزه زرع است
 ۱۵ نیاک دماوندی است محل سمت قبله
 یک قبه غنچه دارد اطراف آن سنگ چینی است
 سمت شمال سنگ چینی را خراب کشته قری
 قائم نشود در قبر یک کوزه جوامر است

۱۵ سروراه آرزو کینه و تخت علی دماوندی
 ۳ راه ۳۲ سنگ مثل چاقه یک کینه دماوندی از شمشیر
 زرشک از سنگ کوزه فرورنگ است و اجانبه میر میگویند
 ۱۵ دماوندی کینه و در جانب شرق قبه
 کوچک است برجی دارد یک قدم از برج مردان زرع
 یک کینه کرم زرا است نیم فرورنگ نایم دان دماوند
 محصور زاده در قبرستان او سنگت نشانی آمو دارد
 ۳۲ اوج یکاوند یک کوزه زرع مقدار فرورنگ اما زاده کینه
 ۱۵ باینس دماوندی کوزه زرع است جنوب
 بدالک جبال در اجانبه سنگت در از سنگت
 در او جوامر است بی خلاف ۳۲ آینه و زرا دماوند
 قبه در از حشر و سرورنگ قبه دو سنگ سیاه و سفید نیا اهل
 یازده فرورنگ آینه دماوندی سنگت و سنگت در از زرع
 سنگ غنچه را کینه نام نایب شود به بله از بله باینس
 یک دیک زرا مات وزیر است

۱۱۴
دماوند موم قلعه دارد بنام کام قلعه جنوب دارد
با سنگ صید ۵۰۰ م ابرج وسط هم المکد هم مزمرو
مروارید است ۱۱۵ م سر زمین دماوند در مشرق
چشمه دارد او را چشمه گویند هم قدم از چشمه که رشته
سمت غرب آفتاب سنگی دارد معروف بشیر
سنگ یا شتر سنگ هم از آن زیر او ایلیان یک
ویک از است ۱۱۸ م آینه و زمان دماوند بیرون
ره طرف مشرق قلعه دارد از آن شاه قلعه گویند است
جنوب قلعه بر جی دارد وسط برج سنگی است
باین نشان  ۵۰۰
است و زغال زیر آن را ایلیان یک ایلیان یک
فرزانی دارد ۱۱۹ م حال دماوند مناظر دیدنی
بای شمار سنگ بزرگ زیر سنگ ابرج ایلیان یک
م هم زر است

۱۱۳
دماوند جای دارد از آنجا که خاک کویند در
کرشته تخت سنگ در سنگ بر دماوند داخل چاه شونده
م دانه کوچ ۱۱۷ است ندای بزرگ و کوچک است
زر است ۱۱۸ م ایلیان طرف چاه چشمه دارد
از آنجا چشمه گویند هم قدم از چشمه که رشته سنگی است
باین شکل  ۱۱۸
زر سفید است ۱۱۹ م آروی دماوند چشمه فرنی اندر
چشمه را ووزخ گویند یک زرا مانع و زرا است ۱۲۰ م
در امام زاده دماوند هم سنگ چینی است میان سخن
سنگ چینی میان ایلیان یک یک شتر زر است ۱۲۱ م
آر در دماوند در قریهستان هم در و در و در و در
بیلان یک کوزه زر است ۱۲۲ م در قریهستان دیدنی
آر و حفره در او شب چراغ روشن میکنند
وسط مقبره و ابرج ایلیان یک و حفره و جانعل است

۱۲۳
آورد قریهستان که در مغرب آرمیسا دران
قریهستان هم قبر دارد است خلاصت در زستان برف
روی انبانی ماند در آن قبر کوفه است ۱۲۴ م
رومی رانی یا و فی روان راه دماوند هموارش دارد
بجای سنگ بیخ و بیخ طرف چاه در یک هم راهی کوه است
رویده سنگی است بنوع سنگ در آن نقش است
رو قبلیه سنگی ابرج بیلان یک یک زر است ۱۲۵ م
دماوند امام زاده دارد سمت شمال امام زاده کوه
است در آن کوه در رفت قیچی سر و در مقابل
در رفت در قلعه کوه هم قبر دارد و قبر میان ایلیان یک
بیلان یک یک زر که شاه صاحب است دماوند
دره حلاله که بتار هم در سمت مشرق از در رفت است
دره قیچ فامیل یک قبر دارد است ۱۲۶ م از آن بیلان یک
یک و یک سنگی پیر از زر است

۱۲۷
از کوهنگ دماوند سمت مغرب بالای کوه
قریهستانی دارد قدیم وسط قریهستان و درخت
کچی دارد و بروی یک یک زر بر موقعت بیلان یک
یک و یک و یک کوزه زر است ۱۲۸ م
از کوهنگ که رشته طرف مشرق از راه قریهستان بیلان یک
است بالای چاه سنگی است بیلان یک هم که شتر
کوه سنگی بیخ آدم با و نقش است زیر او را
بیلان یک و یک زر است ۱۲۹ م دماوند
مکانی است او را منصف خانی میگویند
بالاه کوه است انجا مقبره دارد و وسط بیلان یک
یک کوزه چهار وجهی زر است ۱۳۰ م از ناری
کوه اسان بدماوند میگویند کوهی است از قبیل میگویند
زیر تپه بالای سر چاه سنگ تاریخی افتاده سنگ
بر داشته ۱۳۱ م از آن بیلان یک یک زر است

۱۳۰
از روی و راین می رود و منتهی آید که از دماوند می آید
از برای و راین می رود و منتهی آید که از دماوند می آید
مقابل همان دهنه آب بجاوند می افتد و منتهی آید
۱۳۲
روای می رود و منتهی آید که سمت شمال
می رود و سر راه یک سنگ بزرگ افتاده بزیر همان
سنگ یک کوه ز امانت و بزیر است ۱۳۳ پای کوه
دماوند شتر گریه می رود است سر راه است علامت
چاقو با نقش است ۱۳۴ از ریش بزیر او را بجاوند
یکدیگر ز است ۱۳۵ اقیانوس فریبون دماوند
هم آخورد و در یک سنگ گریه می کند آخوند افتاده بزیر
آب کج می افتد این کلبه با سنگی ظاهر شود و بزیر او
یک دیگ ز است ۱۳۶ غوره دماوند سر راه امانت
باشم در کف از ریش در یک جله عام سنگی روی زمین است
و سوراخ دارد و ریش سنگی بجاوند یکدیگر ز است

۱۳۰
از روی و راین می رود و منتهی آید که از دماوند می آید
از برای و راین می رود و منتهی آید که از دماوند می آید
مقابل همان دهنه آب بجاوند می افتد و منتهی آید
۱۳۲
روای می رود و منتهی آید که سمت شمال
می رود و سر راه یک سنگ بزرگ افتاده بزیر همان
سنگ یک کوه ز امانت و بزیر است ۱۳۳ پای کوه
دماوند شتر گریه می رود است سر راه است علامت
چاقو با نقش است ۱۳۴ از ریش بزیر او را بجاوند
یکدیگر ز است ۱۳۵ اقیانوس فریبون دماوند
هم آخورد و در یک سنگ گریه می کند آخوند افتاده بزیر
آب کج می افتد این کلبه با سنگی ظاهر شود و بزیر او
یک دیگ ز است ۱۳۶ غوره دماوند سر راه امانت
باشم در کف از ریش در یک جله عام سنگی روی زمین است
و سوراخ دارد و ریش سنگی بجاوند یکدیگر ز است

۱۳۱
از برای و راین می رود و منتهی آید که از دماوند می آید
از برای و راین می رود و منتهی آید که از دماوند می آید
مقابل همان دهنه آب بجاوند می افتد و منتهی آید
۱۳۲
روای می رود و منتهی آید که سمت شمال
می رود و سر راه یک سنگ بزرگ افتاده بزیر همان
سنگ یک کوه ز امانت و بزیر است ۱۳۳ پای کوه
دماوند شتر گریه می رود است سر راه است علامت
چاقو با نقش است ۱۳۴ از ریش بزیر او را بجاوند
یکدیگر ز است ۱۳۵ اقیانوس فریبون دماوند
هم آخورد و در یک سنگ گریه می کند آخوند افتاده بزیر
آب کج می افتد این کلبه با سنگی ظاهر شود و بزیر او
یک دیگ ز است ۱۳۶ غوره دماوند سر راه امانت
باشم در کف از ریش در یک جله عام سنگی روی زمین است
و سوراخ دارد و ریش سنگی بجاوند یکدیگر ز است

۱۳۱
از برای و راین می رود و منتهی آید که از دماوند می آید
از برای و راین می رود و منتهی آید که از دماوند می آید
مقابل همان دهنه آب بجاوند می افتد و منتهی آید
۱۳۲
روای می رود و منتهی آید که سمت شمال
می رود و سر راه یک سنگ بزرگ افتاده بزیر همان
سنگ یک کوه ز امانت و بزیر است ۱۳۳ پای کوه
دماوند شتر گریه می رود است سر راه است علامت
چاقو با نقش است ۱۳۴ از ریش بزیر او را بجاوند
یکدیگر ز است ۱۳۵ اقیانوس فریبون دماوند
هم آخورد و در یک سنگ گریه می کند آخوند افتاده بزیر
آب کج می افتد این کلبه با سنگی ظاهر شود و بزیر او
یک دیگ ز است ۱۳۶ غوره دماوند سر راه امانت
باشم در کف از ریش در یک جله عام سنگی روی زمین است
و سوراخ دارد و ریش سنگی بجاوند یکدیگر ز است

آینه در زمان دماوند در کوه او یک سنگ بزرگ
 نقش امام وارد در جنوب سنگ صورت قبر است
 یک رزغ بلند و درم ز است آینه اگر سی و چهار طرا
 خوانند ~~۱۴۸~~ آینه در زمان چشمه آبی در بالای
 چشمه پنج سنگ گرد کار کرده اند زیر سنگ وسط را
 یک رزغ بجاوند یک شهر به رز است ~~۱۵۴~~ رو درین
 دماوند سر چاره که بد ماوند میروند کنار چاره سنگ است
 سیاه پشت قریم مذکور زیر سنگ یک یک رز است
~~۱۵۵~~ آب سرد و ماوند سر راه نشوره زار است
 راجی که طرف کیلان میروند سنگ سیاه علا
 نام جیم و عم الف و درو بهفت ازش رز او را
 بجاوند یک یک رز امانت ~~۱۵۶~~ در بوم بند
 در قریب آن قریه طوف شرقی نام قبر با قبله روی تپه
 قبر میان با بجاوند یک یک سنگ چنگل موجود است

سنگ سر راه آب کم دماوند پشت آباری
 سنگ بابت شرق آباری جای بلند است
 چند سنگ بجا است یک سنگ باغی طرف شمال آ
 ریز او را بجاوند جایی نمودار شود در آن جا ده مال زیاد
 و چند کتاب از اسرار فنون ایران در یک صندری است
~~۱۵۸~~ دماوند پای کوه دماوند در سنگ شهور
 علامت چاقو در سمت چاقو را بجاوند یک طرف آن را
 سنگ یک کلاس دعای ده قافرا خوانند ~~۱۵۹~~ در حصار
 سر راه دماوند و لو اسان قلعه قدیم در او قفسه بوده خراب
 شده بجاوند قفسه را هم ازش بجاوند و راجی که
 در آن نام کوزه رز است ~~۱۶۰~~ سر راه دماوند و لو اسان
 کوزه قوری چون مکر در زمین است راست چشمه آب کم
 و یک رزغ توت است میان چشمه و رزغ معلوم کند
 یک کوزه یک کوزه رز است

از چشمه قوری یک کشته سمت راست
 یک سنگ شیشه قوری است زیر سنگ یک یک رز است
~~۱۹۲~~ کوزه قوری یک مقابل سنگ قوری هفت
 سنگت زیر سنگ هفت یک سطل طلا است
~~۱۹۳~~ سر راه دماوند و لو اسان در کوزه آبی
 لشکرک بالای سر سمت راست امام زاده
 همان اطراف کوشش گس نام قبر خواجه ایوب
 وسط را یک ازش بکند یک یک رز است
~~۱۹۴~~ در آب سرد آه بالای دره غاری است
 طوفی غار تخت و قبر است قبر اشکافند که جلوی
 غار است از نقش یک ازش بکند یک یک طیان
 رز که شاه اسمعیل دماوند دره ملک سنگت
 علامت ~~۱۹۵~~ صورت وارد و روبرو سنگ بزرگ است
 نام رزغ و سنگ را بکند پنج رز است

پایین اوزنه آه نر یک صبار آبار
 سر چاره عم پشت بسیار آبار و بجاوند اسان امام
 زاده است بنام امام زاده صالح در جم امام زاده
 ریز زمین است در او کفته و ریز مقبره است
 خزانم افزای سیاب در آن ریز زمین است بی علامت
~~۱۹۷~~ در آه در آجلی در مقابل چشمه سمت شرقی نام کام
 از چشمه سنگ مدور سفید در پای قبر روی سنگ
 حفظ پنجی در خط مختلط نوشته طرف شمال سنگ
 ده کام بزن سنگ سماخی قدر رز خاک بالا است
 و رز سنگ هم رز از سنگ و قیاس ~~۱۹۸~~ در آه آباری
 سادات محل مقابل آباری چند چنانچه در سمت شرق آباری
 ریز سمت چنانچه در کنار زمان همین جاب شده و رز است
 رز خاک شده جانب شرقی جای لوده رز طیان تمام نام
 از چشمه مدغون است

۱۶۵
 در ماوند موج کافر قلعه یا کافر حوض کم با سنگ چینه اندام اگر
 وسط حوض را بجاوند یک طیان در خم سروریه چنان بود
 در ماوند میان محل دره فی دارد در هر وقت بچیره
 دره بالا ان سنگ معماهی نشان اسم الاغ
 در در زیر سنگ یک یک زرا است
 او چونک و ماوند چشم در در آبی روشی مشرق
 جاری یک چند در زیر او است طرف
 شمال چشم هم سنگ یکی است زیر
 سنگ وسط را یک زرع بلینه یک کوزه را

۱۷۰
 لواسان سر راه افنج یک سنگ بزرگ افتاده
 خلاصت ها و ن با نقش است زیر او یک زرا است
 ۱۷۱
 بر کن لواسان کوچک سمت نام آباد
 لب رو و خانه بهلوی جاده عام سمت شمال یک قبر
 در و ن میان قبر یک کوزه زرا است ۱۷۲
 نام آباد میر و بالای قبه سمت شمال در یک قبر
 یا قبیله میان قبر یک کوزه با سنجین میر در نواز
 یک طاس مملو از زرا است ۱۷۳
 لواسان کوچک کنار طاره درخت انار است سنج کام
 از سمت مغرب هم زرع مکنده یک آب پیر در شور زرا در
 مکنده یک کوزه زرا است ۱۷۴
 آبادی نارون سر راه افنج کنار آب مست آبادیتا
 خرابه است در تنوره آبیاب سنگ چینه زیر آن
 یک کوزه زرا است

۱۷۵
 در لواسان بزرگ سنگی افتاده شتر کرم حرف
 در افنج قبر است قبری کفینه مظهر حاصل است
 ۱۷۶
 بو زن لواسان سمت بر کن زرع در در
 میان زرع خرابه است سمت کوه برقی دارد میان جز
 هم زرع مکنده یک زرا است ۱۷۷
 در کوه نام آباد هم که جان دارد
 کوهان ستم مقبره دارد سفید در آن مقبره یک شتر زرا است
 ۱۷۸
 در کوه لواسان مانی مشهور بچیره است افنج
 زاغ و در دو قبر است مقابل قبر در سقف خاک نشان
 دارد هم از ش بلاندر ریفند نام نشور ۱۷۹
 جلوی خانه
 چیره حقیقی است تحت راع از ش مکنده کوزه زرا است
 ۱۸۰
 سر راه لواسان بزرگ پیل رو و خانه لواسان
 بالای پیل سمت شمال هم قبر در در آن قبر میانند با بلاندر
 یک طاس زرا که خلفای یعنی خدایس

۱۸۱ قیام آباد لواسان بالای چشمه افلاک خانی
طرف جنوب چشمه منلی بقدر آدم بر پا امتیاز
پای سنگ است برش بکنند یک آفتاب زراست
امانت فیروز یک در ۱۸۲ ضاه آباد سرگردن محل
خانه در وسط معلم خانه را بکنند یک کوزه زراست
۱۸۳ سنگ جان لواسان اول آبادی سنگ است
هم مورخ در مقابل مورخ میان این مورخ بکنند
یک یک زراست ۱۸۴ آبادی سنگ نام در زراست
امام زاده سنگ است در مقابل حلقه در زراست سنگ
یک کوزه زراست ۱۸۵ سنگ نام در وسط
آبادی سنگ است جای پای رسی بر او نقش
است زیر او را بکنند طاقی است بر او سنگ
پا صاحب الزمان طلسم و در زراست
نقل شده از مورخ زراست و اوله در زراست

۱۸۶ وسط دو آب نیک نام در جانی که آب زرد
می آید باب رودخانه یکی میشود زمین خالی است
ان تحت زمین را از وسط بکنند مال زبانی و چند
خشت طلا باصندوق اساس موجود است ۱۸۷
نیک نام در آخر آبادی جنب آسیاب طرف شمال
خرانه را در پیش کبر طلسم در روی استا و زراست ۱۸۸
اوشون لواسان اول آبادی دره در رویشمال انجا
سنگ است مثل آدم زراست به بالا سیاه رنگ بجانب تپه
تخته قطره انرا بجاوند ذرات پیدا شود مثل طاق زراست
و انجا زراست انجا است ۱۸۹ بزرگ لواسان در
قدیم وسط بر جا بکنند یک کوزه در سنگه با الله
۱۹۰ لواسان بزرگ چشمه افلاک خانی انجا جنب تپه
چشمه افلاک علامت خط بران زده میشود در جانب شمال
سنگ بکنند در زراست سبزه زراست و انجا در زراست
بکنند طلسم باطل شود

۱۹۱ سنگ لواسان کنار رودخانه سنگ است
پا در زراست او را بکنند یک در زراست ۱۹۲ سنگ
کنار رودخانه سنگ است علامت پا در زراست سنگ
یک در یک زراست مورخ بکنند ۱۹۳ کافله چهار
باغ لواسان در تپه واقع شده مقابل ده کلاک
است تمام سنگها در زراست در سنگ است وسط
قلعه را بجا زده از احوال زیاد و طلا آلات و غیره
دست آید ۱۹۴ در باغ طرف شرقی قریه قریه
قدیم است سنگ است بزرگ خط کوفه نوشته دارد
ده کام طرف جنوب سنگ دیگر است سنگ آجر است
دیند بقدر نیم زرع بکنند یک طلسم زراست ۱۹۵
کلاک لواسان دیند آب آبی یک بالائی دارد
که تپه است بالائیه سنگ بزرگ شبیه زمین هم از سرش
زیر او را بکنند یک در زراست

۱۹۶ آینه لواسان بزرگ سنگ سیاه رنگ خرق
تپه نشان چشم و الف در رود بقیله زراست در
بکنند یک اسیرتی زراست ۱۹۷ در کل دره لواسان
را یکی بخش آباد میر و سنگ در تپه قبر وسط بکنند
یک کوزه زراست ۱۹۸ سرای که از لواسان
نارون سمت کلاک است بزرگ سنگ است علامت کلاک
دارد مقابل سنگ تپه است بالای تپه بکنند سنگی ظاهراً
شود زیر ان سنگ کعبه است ۱۹۹ اجبار باغ
لواسان دره در انرا الوان در کوه کوه انجا در زراست
در فلفل است حیوانی انجا است کلهی در تپه
طوق طلا بگردن در درجهان مهران حیوان فام
زراست در جای غریب ماران خوانده باطل شود
تپه چشمه آباد لواسان سمت کلاک تپه در زراست
بخت سنگ کعبه انجا در زراست یک در زراست
سنگ روی تپه است

۲۰۱ بوزن لواسان چشمه آب کفای چشمه های
 ساخته آن بوره وسط آن ساخته آن را از زرع مکنند
 چاه پیدا شود بقیعت زرع قیامه سفید است
 از آن مکنند اسباب و آلات طلا و نقره و غیره زرع مکنند
 ۲۰۲ بوزن لواسان طرف مشرق آبادی کوه است
 در بلندی کوه خار است جلوه خار سنگیست بقدر
 سنگ آسپاری سنگ هم خط کشیده اند باین شکل
 ۲۰۳ داخل خار که در در شری کوشه بالا طرف
 راست پای کوشه سوراخی است پای سوراخ اعزیز
 مکنند قند سنگ سیاه پیدا شود زیر او هم خم زرع است
 ۲۰۴ بوجان لواسان امام زاده در میان درخت
 حرمرام از شربلک و نیک کوزه هم زرع است
 طلب جان لواسان کردند در در افغانیکه مربع شکل خنجر
 سمت جنوب از بلبلورند یک خنجر طلا از مقصود باله
 سنگ مکر کوفته است

۲۰۵ حسن آباد لواسان مکر کوفته است
 قبر وسط بلک و نیک کوزه زر سنگیست
 هر روز در بر جان نیکو میروند که در در مکر کوفته سنگ
 افتاده شکل خنجر باو ندره اند خط کوفتی هم در در در
 زیر او را مکنند یک خنجر حوا بر نشان مال وزیر است
 ۲۰۶ روبروی امام زاده سینه علی تلی در در
 وسط او را بلک و نیکو میروند بقبر در میان نقیب
 یکدیگر طلا سنگ کرده است
 لواسان کوچک تپه در در پای بلک بپید میسر سمت شمال
 هم تپه قبر است و درون یک زرع میان قبر را بلک و نیکو
 استخوان ظاهر می شود و یک زرع دیگر مکنند یک طاس زر
 نقش طلسم کفنج نامه لواسان است
 بر کوهان هم سنگ حسین در در سنگ پیش وسط
 بلک و نیک کوفته است

۲۱۰ کوره لواسان بزرگ آبادی قدیم قبرستان
 دارد در روست آبادی که تپه سفید است بالای
 سر قبرستان سنگ زر در در هم کبوتر یک سفید
 وسط آنها را بلک و نیک طاس زر است
 ۲۱۱ پشت سرافیه لواسان کوه یک چشمه
 گراست بالای چشمه تلی در در بالای تل قبر قرار
 میان قبر یک زرع مکنند یک زرع است
 باغ دره لواسان دره در بالای دره تپه بالای
 تپه برج میان بر جز امام ارج بلک و نیک هم زر سنگ
 درون آفریننده امامت وزیر ۲۱۲ فناء آباد
 دره دارد مشهور به طلا کفای دران دره سنگیست
 ششم بادیه باو نکرده اند یک زرع زر او را مکنند کینه
 زرع است

۲۱۳ چهار باغ لواسان طرف شمال قریه مشهور
 بخول دره بقیعت دارد از کاب کوبیندی زرشه در در
 واقع شده بالای تپه سنگی که مورنگه سران از خاک
 بیرون و قدر تپه سنگی که کس در ۳ علامت دارد هم
 ارج بزرگ او را مکنند یک زرع است ۲۱۴ لواسان
 بزرگ چشمه افلاک کفای مقابل چشمه سنگ افتاده یک
 زرع قد یک زرع پنجه ۳ زرع زیر او را بلک و نیک هم زر است
 نام تپه یا ارجم الشرحین خوانده می است و سرود
 ۲۱۵ زیاد آباد محکم خانه در در وسط محکم
 خانه ۳ زرع مکنند هم کوزه زر است ۲۱۶
 مکر کوفته فیناچه آباد در وقت قوت است در در زر سنگ
 مربع افتاده زیر او را بلک و نیک کوزه زر است
 ۲۱۷ در در و بلکان سنگی افتاده نشان امام در در مقابل
 جام اقامت بر در یک زرع کس یکدیگر زرع است

۲۴۹ دست کرد لو اسنان تپه دارد سه پرتو بزرگ

برقی دارد وسط برج ایلیونه یکدیگر راست ۲۴۸

برک جان زندان خانه اردو افغانی سنگت شهر شتر

جلو شتر کمر پنج قبر است از کوه سنگ یک قبر میان

بنج قبر از کوه سنگت بکنند یکدیگر زمان

۴ راون الرشید خلاف ندر ۲۴۷ لو اسنان بزرگ

در مسجد میان محلی یک سنگ سیاه است شکل

۴ نماز دارد سنگ مربع است هم زرع زیر او را بکنند

یک زراست ۲۴۶ باغ دره لو اسنان امام زاده

دارد روی ای امام زاده تپه بقره و یک سنگ سیاه

زیر سنگ ای ارض بکاو و دو نم زان است ۲۴۵

حسن آباد لو اسنان تپه دارد نیم برج روی تپه سنگ

مربع یک کوه نوشته دارد زیر او بکاو و یک کوه است

اسلمی بال فینون

لو اسنان کوه یک کوه دارد نیم حسن زازیر کوه ۲۴۴

و بزرگ بالا سبز بزرگ سنگ سفید شکل موش و کوش از کوه

سنگ ایلیونه طشت هم زرع لو اسنان کوه یک کوه دارد نیم

زیر دست کوه سنگ سیاه بزرگ نقشش را بنسازد و دست

زیر همان سنگ ایلیونه زرع بکنند هم زرع نام آباد

یک سنگ سفید روی سنگ ایلیونه زرع یکدیگر زرع

نیک نام ده لو اسنان یا نور مازندران زیر شاه راه

مسجد دارد مساهز مسجد سمت جنوب وقت

است ۳ ارض زیر وقت ایلیونه و یک کوه زرع

آفتاب لکن و یک خشت طلا و کتاب گنج نامه است

میلون رود با قوه ان در عمارت دیده در باد است

وسط دریاچه را در و زرع بکنند یکدیگر زراست

تخت عینی حاجو در مهفت زه آب در مهفت قبر

از یک یک قبر ز قبر تا اصل است ایلیونه زرع

در زرع سنگ سیاه زرع زرع تاریخ کهنه اند و در اصل

حمه است در هر قوه زرع زرع است باقی قبر

برادران هستند در آن قبر در آن ایلیونه قبر است

۲۴۴ کوه توری یک سر راه رود با قوه ان چشم است

رو بروی چشم طرف دست راست چشم سنگ سیاه

چهار گوشه است در زرع فاصلا طرف دست راست

سنگ چینی است وسط سنگ چینی را بکنند یک

دیگر راست ۲۴۵ از کوه توری یک پایش

میر و سمت مشرق سنگت شکل قوه رود روی

شماغ قوه سنگت شکل آدم با و نقش است

زیر انرا یک زرع بکنند یکدیگر راست ۲۴۴

سر کوه توری یک بلشکر میروند سمت دست راست

سره کوه صد قدم جلوه بر و نه شست سنگ قطره هفت

سیاه یکی زرد سینه سنگ زرع حروف خط عری

دارد یا بان خط یازده قدم میروی زرع یکدیگر

یک دیگر خط دارد سمت از امر تپه بکوه

میلو همما طلسم باطل مشور

۲۴۴ صخره صهار سر راه رود با قوه ان میان قبرستان

هم قدم وارونه دارد قبر وسط ایلیونه یکدیگر زراست

۲۴۴ در خاکس چالاک رود با قوه ان تپه را در بالای

تپه هم قدم با قبیل است قبر ایلیونه زرع هم زرع است

۲۴۹ سر کوه توری تل رود یک اسپرک بالای تل قبر

یا قبیل قبر ایلیونه یک کوه مازندران زراست ۲۴۳

رودک رود روی شاه زاده هم با هم سنگ چینی است

چینی میان ایلیونه یکدیگر زراست ۲۴۳ سر کوه

آهار هم روی ایلیونه بلندی کوه در مقابل کوه بلندی

شهر قلعه دفتر برقی دارد میان برج ایلیونه یکدیگر

زراست ۲۴۳ حوض قلعه زرع یک زرع بکنند

وسط حوض یک طشت زراست ۲۴۴

بر زرع رود بار با بیوس هم رود و سنگ چینی دارد

توی سنگ چینی یکدیگر زراست

۲۳۴ در کوه نوک آب افشان سمت جنوب اسپول
دارد که از سقف آن آب میچکد مقابل یک چشمه قدیم
فاصله ۱۴ ارشس بجاوند یک کوزه زر است ۲۴۵
در پائین ز افشان درخت چنار است مقابل رو
شاهه او قصر وارونه است در آن قهقهه که در کوه ها روان
۲۴۶ کوه اول آبادی کوه گدازه سنگی اندازه علامت
طاس سرو نقش است زیر همان سنگ کوزه
مانندانی زر است ۲۴۷ سرو آب کوه برودخانه
جابر و سرد قلعه خراب است وسط قلعه سنگ است
علامت هم و علم در سمت مشرق سنگی هم در جبهه
۲۴۸ هم در طلم مار را در ۲۴۹ در آخر آبادی در دره دارد
که آب از بالای دره بر سر طرف شمال سرتیمه کن
آبادی کوه را پیشی در سجاد سمت مشرق هم بالای
جاده جنبه سنگ اندازه وسط سنگها را بجاوند یک کوزه
امانت وزیر پهن شاه

۲۳۹ اراکوشه در کوه آب ان بجای رود میخیزد آب
چشمه قدیمی باغی هم در راههای دور جهت آن است
سمت جنوب چشمه سنگ سیاه اندازه علامت هم در آن
در سمت مغرب خاک قرمز وسط خاک قرمز رنگی هم
بجاوند ۲۴۰ در راه کوه رود بار خشت
کیقباد در پهلوی درخت سمت خت اسیک و نزدیک کوزه
مانندانی زر است ۲۴۱ در باغ گل رود بار قلعه
سمت رودخانه بالا قلعه کوه وارونه است یک چشمه
بجاوند یک کوزه زر است ۲۴۲ بر زمره رود بار
سربند هم راه هم میخیزد در هم راه را کند ۲۴۳
رود بار قلعه آن که نسیم نام دارد سر کوه بار ایان هم
سنگت سنگ اول اسیک و نزدیک کوزه زر است
۲۴۴ رود بار قلعه آن اوشون در کوه در دره رود
سمت شمال هم فاصله سمت شرق دور درخت چنار قدیم پائین
پائین دور درخت یک چشمه کوه کیان

۲۵۰ رود بار قلعه آن آب افشان مشهور اوشون
جائی است معروف زر در آن قلعه در بالای قلعه
تختی دارد مشهور تخت کیش میان خت ۲ ارشس
بجاوند هم در ۲۵۱ دره اسپول اوشون هم
کوهان دیوار است در خانه میانی طاقی مقابل طاقی دیگر
یک صندوقی هم کوشور و در مقابل بار و بند ایس در
طاقی است درهای مارانر افخاند ۲۵۲ همان دره پشته
رودخانه قهرستان است مشهور قهرستان بود ۲۵۳ سنگ
سیاه بزرگ مقابل یکدیگر میان آن ۲ سنگ یک سنگ
دیگر است زیر آن سنگ یک کوزه زر است ۲۵۴
در آخر سنا اوشون مکانی است مشهور بوبران پلنگ
میان بوبران سنگ سر نقش هم طاس در مقابل
طاس وسط یکدیگر است ۲۵۵ مقابل طاس سمت
جنوب تپه بالای تپه میان قهر و قهر از طلا خنجر هم مال
کی قباد ده قافر انخوانند

۲۵۰ مقابل طاس رو شمال میان مرغ سنگ سیاه است
رومی آن ترازو میل چنان کنده اند هم قوم فاصله از میل
تپان هم مرغ یکند در ای پیدا شود در آن خوش طلا و سنی
طلا است ۲۵۱ در باغ ایگل طی دارد مشهور سر قلعه میان
آن تخت که قبلا وسط خت اسیک و نزدیک کوزه زر است
۲۵۲ در بر روی گلکان هم در رود در میان بجاوند کوزه
۲۵۳ پهلوی در چشمه کوه آب بالای چشمه سنگ سفید روی او
خطی هم در ۲۵۴ در آن بجاوند یک کوزه زر است ۲۵۵ سر نوک کوه در
رود خت بالای تپه است مد هم فاصله وسط تپه علامت هم
و در وقت وسط بجاوند یک طاس زر کوزه کوزه ۲۵۵ رود بار هم
سر کوه بار ایان پائین دره هم سنگ سیاه زیر سنگ اول یک
کوزه زر امانت زر ۲۵۶ در فخر رود یک سنگ نیم در
بر در آن زیر همان سنگ یک کوزه زر بی علامت ۲۵۷ در یکند
۲۵۸ کلنگان در حوالی کلنگان جایی است بر زمره رود
ان مکان را بجاوند یک هم زر است

۲۵۸ امام زاده رودکی یا اسرار زرع بکنند یک دانه در
غیر از شرفی میان کوه امام زاده بر وجه طرف عمده
میخوابی بر یک رخت سرد است زرع در وقت طلوع قبل
یک کوزه زرع است ۲۵۹ در امام زاده بر وجه جنوب
سنگست زرع شده سنگ کوزه هم بزرگتر است یک کوزه
۱۰۰ گره راه لوسان مسجد امام حسن یک چنار باشد
۱۰۰ چنار چشمه است یک قدم رو قبیله بنجر از شرف میخوابد
یک کوزه زرع است ۲۶۰ که طرف مغرب از شرف کوزه و قدم
بر دراز طرف رست است و سنگ این سر باشد
۲۶۱ زرع سنگ یک کوزه زرع است شرف از شرف میخوابد
۲۶۲ در بهار لوسان به شهر رسیده امام زاده است سنگ
بزرگ افغان است آن سنگ که بر وجه است امام زاده
او را میخوانند و کوزه زرع است ۲۶۳ میان امام زاده
دارد یعنی آن قبر در چهار کوزه سر قبر سنگ
میان قبر یک کوزه زرع میخوانند

۲۶۴ روت لالون کوی و از شهر نوسوزنی افغان در دار
میان قبر اقدیس است روت سنگ طلاست کوش زرع زراعت
۲۶۵ زرع بکنند زرع است ۲۶۶ در طال رود رود امام زاده
تپه کوه یک ستره سنگ است میان سنگ پیشه که طرف قبله
پای میست آن قبر امام از شرف میخوابد یک کوزه زرع است
قلعه حمام قدم سنگ سیاه سینه سنگ یک کوزه زرع است
۲۶۷ میان کلام غلام سنگست سنگست کوزه زرع بالای
۲۶۸ میخوابد قبر خود از شرف و عمده و آن کوزه در آن قبر است
۲۶۹ در کورستان پیروزان کلام و در وقت روست و سنگ
او را میخوانند قبر را میخوانند یک کوزه زرع لالون کورستان
پیروزان کلام هفت چاه است هر هفت چاه از آن چاه
دور زرع بکنند در یک کوزه زرع است ۲۷۰ خیزه حمام
رو قبیله تپه سنگ سفید است یک سوراخ دارد
بالای آن تپه را میخوانند زرع زرع زرع پیدا شود در
وجوه از یاد در آن ظاهر است

۲۷۱ در کورستان پیروزان کلام سنگست
عکس ماه و ستاره چهار کوزه آن قبر سنگست کوزه
زر است ۲۷۲ حمام در دار کورستان کوزه زرع بالای
تپه سنگ سفید زرع زرع زرع زرع زرع زرع زرع زرع
غور و رشود در آن قبر یک کوزه زرع است ۲۷۳
دور کورستان پیروزان کلام قبر است عکس یک شتر
بالای سنگ سنگ یک کوزه بالای او سفید است سنگست
چال چوبین زرع او را میخوانند یک کوزه زرع کتاب
۲۷۴ قلعه حمام حمام در در در در در در در در در در در
هم فراد از زرع است ۲۷۵ از شرف رود رود کورستان
شهر است بلور در سر راه کورستان کوزه کوزه
بانه از شرف زرع در آن فاصله رو شرف تپه قبر است
در آن قبر یک کوزه زرع است ۲۷۶ حمام
کوزه زرع معروف است کوزه زرع زرع زرع زرع زرع
لیکن هم یک زرع سنگ شاه اسماعیل

۲۷۸ در قلعه کوه حمام بلندی زرع بالا کوزه زرع تمام کار
پیدا است دست چپ از چشمه است چشمه چشمه حمام مانده
غار است در غار سمت لار است فغانی دارد و در صفت
کله سنگ کنده اندر زمین نگاه میکنند نظر نگاه کله سنگ افغان
رخت زرع کله سفید فغان و دیوان در آن سفید فغان سوال زیادی
از زرع حمام را مسکرموج است ۲۷۹ زرع بکنند در زرع ۲۷۹
حمام سر راه است کله آباری بالای است سنگ
بزرگ است زرع سنگ زرع سنگ یک کوزه زرع کله کله
۲۸۰ حمام کوهی است مشهور آن کوزه زرع کوزه زرع
۲۸۱ قدم از کله کله سنگ سیاه است زرع زرع زرع زرع
کچ و ساروج نمایان شود و بعد لیکن یک کوزه زرع زرع زرع
هم هم از شرف زرع افغان ۲۸۲ حمام آسباب کله کله
در در در در در در در در در در در در در در در در در
لیکن یک کوزه زرع است ۲۸۳ وسط او آسباب سنگ
بزرگ است زرع او را میخوانند یک کوزه زرع است

۲۸۴ در کمال بیرون سنگیت شبیه نیل زبیر میان نیل و سکرا
از شش بجاوند یک فرسخ است ۲۸۵ چهارم در کمال سنگیت
وسط فرخ روی سنگ کوش کشید اندر فرسخ یک
کوزه زر است ۲۸۶ چهارم بیرون سنگهای نقش
دار زیاد است از آنها یک با لاتر از هم سنگ زر که آدم
عکس و یک باو کنده اندر زین سنگ کنگه یک کنگه زر است
۲۸۷ چهارم در کمال سنگیت شبیه فایب وسط ارا
شبیه ناوران کنده اند از خط ناوران شش فرسخ
پایش ان مکنز یک کنگه چای می رسد در ان باده زر
اساس زیاد است ۲۸۷ فله چهارم کبری لار
وسط بر بر ام فرخ کنگه یک زر است کف فرخ
ساروج اکت طلسم در ۲۸۸ چهارم در باغ سنگ
سنگه یار است یک سنگ شبیه روی او حلقه کوزه اند
زیاد است یک فرسخ از کنگه یک زر است ۲۸۹ شیت
خاک در آنه ششیم یک شیت سنگیت خط کوفی
دارد زین سنگ و فینه است

۲۹۰ ده سنگه آه ز زیارت کاه بغل خاک آید از این جا است
در ان باده یک کنگه است ۲۹۱ چهارم در کمال سنگیت
یا کرم آب در بالای چشمه در وقت بید و یک سنگ شبیه
زیر و یک کوزه زر است ۲۹۲ کذاب آه سنگ
سیاه است هم خط الفه لار زین او یک کنگه زر است
۲۹۳ او شنان زین و در وقت چنار در میان به شایع
چنار زین خار چار طاقی است وسط چهار طاقی
مکنز یک کوزه زر است ۲۹۴ الون کوه در زین شهور
به طیفه وسطه طیفه ان نگاه کنگه سنگیت صاف
علامت نمون زین او کنگه یک کنگه زر است ۲۹۵
در عمارت سلطنتی قیم میگون در باه است وسط ان
۲ فرسخ کنگه یک و یک اشرفی ۲۹۶ میگون در شرف
کند وسطه شنان راه بار یک در بالا است راه سنگیت
شکل آدم دارد در سنگ نوشته اند پنج قدم از سنگ رو قبله
مکنز کنگه زیاد مال کنگه او کنگه اس است پای سنگ آدم
مکنز و فینه است

۲۹۷ میگون فله است از مال کی قبا و در بلندی
واقع شده انجا قبر در ان شیت قبر هم سنگ کبود
زین سنگ کنگه نقب پیدا شود در طرف و سنگیت
نقب را کنگه سنگ میگویند زین ان اسوال زیاد
۲۹۸ میگون چشمه آب کور او در ان کوه سر ان
مشهور طرف فرخ شیت سنگیت شکل آمو لار
۲ فرسخ زین او را کنگه یک کنگه زر است ۲۹۹
در آخرین رود بار امام زاده است بالا سر او را هم
مکنز و فینه است شیت آخرین رود بار طرف ان
در شرف کات تلی در دهم هورتل آخرین بالای
تلی سنگ سیاه سفید است سمت رود فانه هم قدم
فاصله از سنگ ۲ فرسخ کنگه یک کوزه زر است
چهارم در طرف دماوند میوه وسطه راه
سیاه رنگه شیت طرف چاده دماوند وسطه فرشته کنگه
۳ اثر است شیت فرخ زین ان کوزه مانونه را فی زین
کرم میان کوزه با انهم است جیب سنگ سیاه بزرگ کنگه نقش
۴ اثرش زین سنگ کنگه زین است

رودک امام زاده هم با زور کاه در رود کاه طرف شرف ان باده
سنگیت و سنگ سوزان در زین سنگ از فرخ میگویند انان شیت
بله آخر شیت سنگ زین ان شیت لوج اکت است کوزه در ان شیت
اساس زیاد فرخ طلسم دارد در رود کور سنگ کنگه کنگه
کفر فرخ از کنگه زمین سیاه و علامت ظاهر شود بازده فرخ بجاوند فرخت
سنگ کنگه زین سنگ هم بله در او زین او لوج است انهم را شیت
در نگاه دارد مایات شیت سال ما زین ان انجا است رود ک
جاقی است نیمه سبک در همان چاه هم فرخ میگویند در فرخ بار شیت
زمین است بازده فرخ طلسم دارد در ان شیت کنگه زمین
هم آقا ابلیس ان زمین شکل کنگه کنگه از شش بجاوند کوزه در
شیت کنگه جرج است قیر فرخ یک فله وسط ان بله زین او شیت
۳ دیکه زین ان سنگ زین ان کنگه میگویند کنگه شیت ان کنگه
۴ زاده چاه و ان کنگه آبا امام زاده کنگه شیت کنگه امام زاده سنگ سیاه
بزرگ شیت سنگ کنگه زین ان کنگه انگاه و فینه کنگه
چاه و در ان است بار یک از کوزه کوزه کوزه کنگه ان شیت
هم کوزه سنگ است دست چیده اند کوزه اولی کنگه یک کنگه
چاه و در ان کنگه ان کنگه با چاه و در ان کنگه کنگه کنگه
رو قبله است هم قدم کنگه را بله کنگه فرخ طرف طلا ان کنگه
یک کنگه زر است شیت آب در ان کنگه ان کنگه وسطه
سمت شمال کنگه قدم فله در ان کنگه شیت شیت شیت
پله در ان است سنگ ان شیت بجاوند یک کنگه زر است

شکر آب ۳ اقدام فاصله از امام زاده یک سنگ عکس
خروس است زیر همان سنگ یک سنگ زراست
شکر آب ۴ با باغی بالای قدم سنگ ۲ سفید یکی
زیر سنگ ششم راه نزع بجا و نیک زراست سنگ خروس
روبرو امام زاده است چهار شکر طرف دم خروس را
هم نزع کنند شکر آب دو قطعه دارد در وقت یا پیش
سرواب است پارچه سرد را بجا و نیک زراست
روتم رو در بار قهر آن کوم وارد مشهور است
در آن یاد دهر و چشم رو به مشرق از آن چشمه گشته
حققت کار مراد را نیا چند قبر است یک قبر
مشهور بقبر زال در آن قبر یک زراست
کوه سفید کوه آبی کوه کوه ۳ اقدام از کوه گشته
سنگ سیاه است نزع بلندی کوه ساروج در کوه ۴ اقدام
عاشق در آن کوه نام دارد وسط نزع سنگ شکر آب کوه
زیر سنگ یک سنگ زراست

۱- شکر آب ۳ اقدام فاصله از امام زاده دو
میس قلعه راه میان بر امام زاده را و در صورت پیش
راه مکه نیست او را بنده خرد سنگ کوه بنده میان نیندا
باز کوه و جبهه اند وسط انرا نزع بکنند یک نزع است
۲- کوه آران نهر قدیمی را در کوه آران نهر سنگ مثل شکر
خا بیهه مابین آنها سنگ سیاه است زیر آن سنگ
یک سنگ زراست ۳- کوه بالای رودخانه سنگ کوه
مکه ای است پیر او کوه نیکو انجا چنان بزرگ وسط شکر
در وقت نظر کوه مسافت یک نهر انداز دو سنگ روی هم چهار
زیر سنگ ۳ نزع بکنند یک سنگ زراست ۴- مابین میان
چهار حوض است وسط حوض را یک نزع هم کند یک
کوزه زراست ۵- در قریه تان رطال کوه سنگ است خط کوه
روی کوه لغت بر اشیا سنگ در حاکم کوه این سنگ یک
کوه در آن قبر یک سنگ زراست ۳ نزع بکنند

۶- کوه امام زاده حجر میان درگاه او سنگ است و در جب
از مقبره فاصله سمت مشرق ۳ اقدام بجا و نیکو فان زرا
۷- کوه وسط آبادی امام زاده را در در حوض او سنگ است
علامت ناوردان در در زرا و یک سنگ زراست کوه کوه
۸- کوه زراست کوه مکه ای است او را بیا سنگ کوه نیکو
سنگ بسیار روی و در او میباش سنگ کوه را بر او کوه کوه
سرداجی ظاهر مشهور داخل سرداب نشوئی ریتد اندر خیم
نای او طایف نزع طلا یک حججه میان نشوئی ان زرا و شکر
یا قوت یک کوه کوه طلا و آهوی طلا و طرف اشرفی کوه
محل شاه بندی ۹- سردور ای کوه قبر است
۱۰- نزع بجا و نزع مشرف زراب است ۱۱- سرد راه کوه
قبر از شکر امام زاده است میان حجاب او را نزع
و درش بجا و نیکو یک حلقه در میان کوه است ۱۲- مابین قلعه
در کوه سنگ است علامت نزع آهوی نزع است نزع نزع آهوی
رو قبله اجل سنگ ایک نزع بکنند یک سنگ زراست

۱۳- مابین قلعه مکه ای را در او را بنده شکر بیا کوه نیکو ای
سنگ است نشان قوج در او طرف نزع کوه کوه مشرق است یک
مقر فاصله یک اثرش بکنند یک سنگ زراست ۱۴- مابین قلعه
یکوه بالا میروند بالای است جاوه قلعه است قدم و در وسط
قلعه را بکنند نزع زمین سرد در او نفع نزع است ۱۵-
تویال پس قلعه جانیست هموار چشمه در آب او نزع نزع حوض
بالای چشمه ای سنگ نزع بکنند یک سنگ زراست ۱۶- چهل پلر پس قلعه
موازی ای نزع نزع نزع نزع نزع نزع نزع نزع نزع نزع نزع نزع
بکنند نزع نزع مابین پس قلعه و امام زاده را در ای
میان بر امام زاده میروند مشهور نزع نزع سنگ میان نندا با
آجر کوه جبهه اند وسط انرا بجا و نیکو زراست ۱۷- در قلعه کوه
کوه مابین قلعه چشمه را در آن میان چاه سرد و طرف مشرق
چاه نزع نزع فاصله یک نزع بکنند یک سنگ زراست ۱۸- شاه چشمه
پس قلعه قریه تان در او وسط کوه تان سنگ کوه خط
مچی را در چهار نزع نزع او را بکنند دو کوه نزع نزع نزع نزع نزع

۱۹ شاه چشمه سلام نامه در سر چشمه قتی است از کوه وسط
تخت سنگ عیانه نشان کاسه و شهاب و در آن روز در سنگ
لبیک کوه ز سنگ در پال کس قدام سنگت ز یک
سنگ عیانه است که در هر یک هم سنگت است از سنگ
پس قدام چهارس مشهور است هر طرف مشرق و چهارم از رخ
بلند یکدیگر از ۳۳۳ در پال بالا علی پتو از اوسط او
فروردین همان مکان از ۲۲ ارج و کوه و علامتی ظاهر شود چهار وجب
نمایند از آن بلند یک کشته قتی ۳۳۳ از کوه ان کشته روز
فاندر طرف شمال چهار ارج و کوه یک کوه پتو و چهار مرت و کوه
ظاهر کرد سنگ عیانه کس پس قدام چشمه در ابر و قبله آن چشمه
پتو است بالا پتو سنگ ز یک سنگ پنج قدم در پتو در پتو
ترش عمل سنگت و وسط او سوراف در در پتو سنگ کوه کوه
ز یک کوه و وسط را بلند ۲ قدم از کس در پتو پس کس است
مشرق هم پتو فاکمی است پتو وسط کوه یک کس است در آن
پتو است قدام پتو وسط را کوه و در کوه ز یک کوه است

۳۳۳ سوه کوه از پتو سنگت از روز زمان است کوه طراف
روان و با جو و سنگت قدمت سمت مغرب سنگت و کوه
یک ارج سنگ ظاهر شود ز یک سنگت هم ز است ۳۳۳ سنگت
سوه سنگت کس چشمه آدم است سوه کوه کوه با جو و سنگت
قدم سمت مغرب سنگت کوه و سنگت پتو شود از روز سنگت کوه
هم قدمت از ۳۳۳ سوه کس چشمه در روز مشهور
آنکس جانور قدمت با نوده قدام بالای پتو سنگ عیانه است از او
بکوه و پتو از ۳۳۳ با عیانه اوسین و پتو سنگت نشان
کوه سنگت کس سوه کوه قدام از سنگت و کوه شمال بالای
جاوه فاصله ز سنگت ۳۳۳ از کس کوه و کس کس کس کس
شمال پتو کس قدام کوه مشرق سرورای پتو کس کس سنگت
سماهی است پنج قدم و قبله خاک سر آهه کس در اوسط ظاهر
کوه و در علامت قدام پتو شود بالا سر قدام یک کس کس کس کس
۳۳۳ امام زاده قاسم چشمه ان نیدی در روز مشهور پتو کس کس
چشمه آب در روز و کس کس کس اول ان نده دست است
در روز فاصله کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس

۳۳۳ امام زاده قاسم چشمه آب کس طرف مشرق اوین است
آب چشمه کوه در در بالای سران چشمه قدام کس کس کس
سنگت مرتب و چهار ارج در کس کس کس کس کس کس
نمون ۳۳۳ کوه فاه چشمه ان امیر راه معروف است میان
چاه یک صد و بیست و چهارم کس کس کس کس کس کس
هم سنگت عیانه در یک سنگت علامت چشمه ز کس کس
ز است قدم قدمت در ۳۳۳ یک قدم افغان است
کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس
۳۳۳ دورای چشمه سرورای چشمه است بالا پتو سنگت
سز کس کس نشان ۱۱۳ در روز ز سرورای کس کس کس کس کس
۳۳۳ امام زاده قاسم چشمه امام زاده نوالی چشمه قدم در روز
قدم وسط را کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس
سنگ تمام مشهور است مقابل سنگ تمام سنگت
سز کس کس ز کس کس کس کس کس کس کس کس کس

۳۳۳ چشمه آب باران کوه از کس در اوسط ظاهر کس کس
یک کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس
طلس در ۳۳۳ در ابر و نشان سمت جنوب کس کس کس
است کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس
سمت مشرق در روز سنگت سوه کس کس کس کس کس کس
شکست افکاره از کس کس کس کس کس کس کس کس کس
نیمه در روز و سرورای کس کس کس کس کس کس کس کس
حجه در سرورای امام زاده سنگت کس کس کس کس کس کس
ز یک سنگت کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس
در روز امام زاده کس کس کس کس کس کس کس کس کس
سرورای کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس
اصطی پیدا کردن ان پتو است از امام زاده کس کس کس کس کس
طلس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس
در ابر و نشان کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس
کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس
کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس
کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس
کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس کس

۱۳۴ طایر آماوشوران سمت جنوب پینه نزر است بالای پینه
در وسط است پینه نزر یک یک از آنست در ۱۳۵ فوج نزار
پینه در در نیم پینه پیری بالای پینه سنگین شکل به لاف فوج ننگه
بر در اول فوج پینه نزرش ننگه و ننگه نزر است ۱۳۶ سمت است
طایر آماوشوران جنوب است ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
طاس روی او کنده در نزر از آن است ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
۱۳۷ امام زاده فوج ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
چشم ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
۱۳۸ ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
وسط پینه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
است آماوشوران کو ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
از وسط در نزر ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
عبور می کند و در نزر ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
چشم ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
در ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه

۱۳۵ کوه توجال در بلند ی کوه یک جای وسیع است
ساخته آن هم بوده چشمه آب از غار بیرون می آید از آن کوه داخل غار
می شود و در جلوه توجال وسیع تر می شود و اطراف عقیق کوه رقی
حوض در در آب از بالا می کند با نیش انجا چهار قطعه دارد
در سینه یک سنگی طلا شده آن طلا و اسباب زیاده در حوض
انجا داشته اند ۱۳۶ فوج نزار ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
طرف شرق رودخانه سنگینت ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
نقش در وسط ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
آورده ۱۳۷ فوج نزار ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
سنگینت ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
طلا است ۱۳۸ امام زاده فوج ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
سلطنتی شاه پریان است جلوه با یکی از کله عمارت ننگه ننگه
نرساخته آن هم از ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
جلوه عمارت سنگینت ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
جوامع ۱۳۹ در کوه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
پانزده قدم بالا دست چشمه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
بلند یک یک ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه

۱۳۹ کلاب دره ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
شرق یک طرف شمال کلاب دره سمت شمال دست چپ اطلاق
نزر زمین است نزر ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
اولا نزر بان است ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
جوامع ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
در و در ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
سنگی ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
شور بالای سر ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
شمران پس قلعه آب شور در در بالای آب شور ننگه ننگه
نخل در انجا سنگینت چهار پهلو به آن سنگ ننگه ننگه ننگه ننگه
ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
پشت امام زاده سنگینت مشهور به یک چارک پائین آن
یک سنگ ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
پوست ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
یک یک ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه

۱۴۰ در زمین نخل سنگینت ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
در وقت در غار رو قبیل است ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
۱۴۱ در عقیق ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
در حوض ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
سنگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
طایر ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
کوه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
در و باد با کوه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
۱۴۲ در ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
چند در وقت ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
بار یک ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
و اسباب طلا ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
سنگ کوه روی ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه
ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه ننگه

۳۷۸ در سینه بالای کوه ۲ راه در اطلالان ۳ در وقت در اطلالان
است پاشی در وقت پیشه ۴ است و در وقت کوه کوه کوه
در جوف آن چند دره و جوار است زیرا در آن کوه یک کوه است
از خط شمال در قمرستان چند کوه است در سنگ سیاه
مقابل یکدیگر میان آن دو سنگ سیاه است زیرا او یک
کوزه مانده را می زراست ۳۷۹ باغ و دره است کوه
و سولقان مکانی است چند راخ در آن یک باغ در او
سنگ است علامت ششست قدیم در آن سنگ در او
میان راخ قمر است میان قمر یکدیگر زیرا در یک کوه است
یک کوه است ۳۸۰ سمت سولقان دره شش مکان
۴۰ پیشه در او آب چشم و نا کجا سیاه رنگ پنجاه
قدیم فاصله بالای سر آن چشمه قمر است در وسط
۳۸۱ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۸۲ در او در او در او در او در او در او در او در او
کوه خط کوهی نیز در او در او در او در او در او در او
اینجا هم در او در او در او در او در او در او

۳۷۷ سولقان سمت مغرب کوه از دهانی سنگ کوه ۱
شمالی سنگ شکر است نظرش سنگ کوه یا سله روز سنگ
کیو است سنگ شکر است نظرش سنگ کوه یا سله روز سنگ
۳۷۸ سولقان موصوفی مشهور است بدلا کوه علامت ۲
میان بند میان جزایر یک کوه ز یک زغ فیلک و ز کوه سال
پیدا شود از طلا با یک بت زیر پای کوه سال را بیاورد در یک شرفی
دره تا از آنجا ۳۸۰ سولقان چشمه در او در او در او در او
که سیاه چشمه باشد بالای چشمه ناک چشمه رنگ بالای سنگ
نشان الف در او در او در او در او در او در او در او در او
در او در او در او در او در او در او در او در او در او
نشان ۴ الف وسطی است در او در او در او در او در او در او
بزرگ چهار در او در او در او در او در او در او در او در او
که در او در او در او در او در او در او در او در او در او
بالا است چشمه یک زغ شای در او در او در او در او در او
۳۸۱ در او در او در او در او در او در او در او در او در او
کام فاصله سنگ کوه نشان در او در او در او در او در او
یکدیگر نیز است

۳۸۳ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۸۴ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۸۵ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۸۶ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۸۷ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۸۸ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۸۹ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۹۰ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۹۱ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۹۲ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۹۳ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۹۴ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۹۵ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۹۶ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۹۷ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۹۸ در او در او در او در او در او در او در او در او
۳۹۹ در او در او در او در او در او در او در او در او
۴۰۰ در او در او در او در او در او در او در او در او

۳۸۳ سولقان کوه مشهور خاک قمر رنگ علامت ۲
قدیم در او در او در او در او در او در او در او در او
لوزان شمر آن سر بند سنگ است کوه رنگ سمت مغرب
سنگ در او در او در او در او در او در او در او در او
عبر با کوه از او در او در او در او در او در او در او در او
لوزان سنگ ربع است بالای بند زرا در او در او در او در او
۳۸۴ در او در او در او در او در او در او در او در او
سمت جنوبی است وسط را در او در او در او در او در او
۳۸۵ در او در او در او در او در او در او در او در او
سمت شمالی است از او در او در او در او در او در او در او
در او در او در او در او در او در او در او در او در او
میر و در او در او در او در او در او در او در او در او
لاقم در او در او در او در او در او در او در او در او
جماران شمر آن زرا بادی کنار او سنگ رنگ
پشت سنگ رو بکوه یک زغ بیاورد یکدیگر است

۳۴۰ کیفیت یوشان تیره طرف دره بزرگ زمین طلح
۳ زرغ بکنید یک سطل چینی موزاید ناضی جواهر است
۳۴۱ بالای نیوران زین فطره خیابان طرف مشرق
خیابان یک تیر یک زار است هم زرغ این تیره بکنند
هم زرغ است ۳۴۲ سوهنگ سر کوه استخردار
دو م درخت هم انجی است چینه ز آبی در دست سیرود
وسط استخردار کل رخه شکست حکیمس مار روی
او نقش است زین سنگ بکنید طلا سکه کرده ۳۴۳
آهانیم اطراف ان جائیت مشهور نقش خان چمن
در میان چمن تیره چینه است طرف راست چینه بیج
قدیم تر از این بکنند سکه پیل شود زین سنگ یک جعبه
نولادی مال بی حساب است ۳۴۴ نقل سنگی
زرغ زاده نقل در او در وسط قلعه سنگ است علامت
و طبع او در زار او یک زرغ بکنید یک زرغ است

۳۴۵ زرغ زاده تیره سرتیه را بکنند سنگی هر سرتیه
سنگ یک زرغ بکنید چینه سنگی هر سرتیه ان سنگ بکنید
۳۴۶ زرغ بکنید چمن آباد میروند ما بین کند چمن آباد
تیره بکنید سنگ بالای یک تیره هم زرغ در او زرغ میانها
بکنند و زرغ بکنند زرغ است ۳۴۷ زرغ از چمن خونی
بالای باغمان زین یک رودخانه سنگ خونی و سرتیه او را بکنند
۳۴۸ حقیق باوشه ان در قبرستان سنگ است
شکل سورت آدم شکل هم کاس با کوزه اندم زرغ نیم قبر
بکنید بکنید زرغ ۳۴۹ زرغ زار امام زاده و آسیابی در او با بلاد
میکرد و زرغ سرتیه راست آسیاب سنگ بزرگ کبود افتاده
مردون سنگ هم ان سنگ هم او را بکنید در او یک طرف
سورخ وسط سنگ یک سطل ناضی الماس هم زرغ
۳۵۰ زرغ زار زین زرغ زار آسیاب خرابه تیره را بکنید
سنگ است نقش صفت در او در بقعه است
قدم فاضل هم زرغ بکنند یک کوزه جواهر

۳۵۱ زرغ زاده در او در چینه است بنام دام چینه بیلوی
چینه سنگی نشان آمو در او در ان حروف ۲۱ ح ۲۲
زیر او بکنند هم افتاده زرغ است ۳۵۲ امام زاده
دین صف در او وسط مقدرا بکنند هم ان سنگ بکنند طلا
۳۵۳ رود دین بیلوی راه سنگی نهاده اند روی
او شکل تیغ کشیده اند سنگ در او در ان سنگ بکنند
یک طمان زرغ است ۳۵۴ امام زاده و دین رودخانه
مقابل باغ که است باغ فیض سنگ است
مار روی و نقش است زین سنگ زرغ بکنند
یک زرغ است ۳۵۵ کیک امام زاده در او میا
دره سنگ لاده است میان سنگ اشمل جام کوزه اند
دو زرغ زین سنگ بکنید یک اشرف ۳۵۶ امام زاده و او
کوه است مقابل امام زاده وسط کوه کوه ان است وسط
کوه او را بکنند زرغ یک زرغ است

۳۵۷ سوهنگان را بر وارید از کوه سرور وسط راه سیاه دره
یک چینه وسط دره سنگ سیاه در سنگی نقش است
وه قدم فاضل طرف جنوب علامت قبر است در او در ان سنگ بکنند
یک کوزه زرغ است ۳۵۸ زرغ زاده حوض شیده دره کوزه
جامقیت تحت از سنگ کبود و دین است زین سنگ هم
۳۵۹ زرغ مرد و قبر هم زین یکی و دین هم بالا سر و دین هم
زرغ زرغ است ۳۶۰ فوق العاده میان کند در او زرغ بکنند
نور آب است انجاس سنگت زین هم چاره سنگ زرغ بکنید
بکنند کند در او زین هم ان زین دره کوزه زرغ میان قبر بکنید
دیکر زرغ خاک کند سنگی در او در شیشه هم ان زرغ از طرف قبله
بکنند بکنید زرغ ۳۶۱ قبرستان کند سنگ نشان بکنید در او
هم ان زرغ زاده بکنند یک شتر زرغ است زرغ
شتر ان کنار رودخانه یک ذاعه دارد بالاسر رودخانه سنگ
۳ سورخ وسط ۳ سورخ سنگ سینه سنگی مال او در
هم زرغ زین او را بکنند هم ان زرغ نشان زرغ او را
زاده تیره خا در او بالا تیره سنگ بکنند کوزه زرغ او را
بکنند یک طرف کوه و او در ان کوه کوزه زرغ او را نشان
میدهد

۳۱۹ شهر اول و ارض کوه بی بی شهر با دور و مجرب
سنگت نقش طاقس در طرف دم طاقس خفته سنگ
زین خفته سنگ راه نقب است در آن و شهر جنین از سلطان
زاده کان شهر افلاوقی است با جوام و اسباب زیاد ۳۱۸
طرف مشرق بالای سینه کش کوه بی بی چینه آب چند وقت
کمی شهر را در از اجاری بطرف بالای کوه هر دو متر از هم فاصله
از نام که آثار رفت باقی است طرف چپ جاده های وسیع
در آن چندین کویک در شهر یکی از بینه ها سنگ کبود رنگ کویک
چیده اند و سنگ حفظ میخی وسط بینه نقشی کلید است
پای سنگ از وزخ کلید نقب پیدا شود اگر کلید را دست
است سنگ را بر اندازد سنگ نقب است داخل نقب
جای بزرگ است اسکندر بر نقش در اب مسافه
از اسباب سلطنتی و سکه کیهان را اجازت است
۳۱۸ طرف قبله شهر تیر و قبله است بالا تیر است
از با دور در آن قبر جوام آفات زمانه و بازویند زیاد است

۳۱۷ کوه بی بی الفیاقه دیگر سینه کوه سینه
مید که قیلا کفنه شده ۳۱۷ از کوه اسباب کاشی الا
و جوامات زیاد است ۳۱۶ کوه بی بی یا توخی کوه یا کوه
دوره است واقع در میان باب نیم باب ده ارض لاکویند
و تو جال پیشت بوستان و در آن توره قلعه قدیم را در مال
یکی از اولاد و مسلمان انجالی لاق بوده و بنده است در روی
قلعه تو تیر را کفنه کرده است ۳۱۴ ایگابازدی تا قلعه
قدیم جلان مشرق قلعه در جای بلند قبرستان قدیم انجاری طاقی
تور چهار طاقی هر دو قبر را کفنه ز جوام است ۳۱۳
جاده فرسان باقی کوه بی بی قلعه است کوه از اجرام
بیسوق قلعه تیر است کویک سنگ کاشی مسجده است سنگ
بر در اندام ارض کفنه نقی پیدا شود از نقب بر در از قلعه
انجاری زمین است ز جوام بسیار کوه هر شش جاده از زمین
۳۱۲ شهر قلی است چلی دختران از زمین نقب
سنگ کفنه نقب پیدا است از اجرام و در زمین کوه
یک خوس طاقس نقب از زمین و جوام است

۳۱۸ شهر رنقده است بنام جوام نقب کفنه نقب است
که در او جاده است قلی جاده است راه است مقدارش کوه نقی
در آن پیدا شود سوره آنا نقی را جوام در آن پیدا شود جوام
وسیع است کفنه اطاق چندین از طرفین جوام نشان
وجود دارد ۳۱۷ جوام سرد نقب قوی در ارض نقب
یک کوه و نقب شهر است نظر هر دو به نقطه مقصود است
نظر هر دو معلوم کند آن کوه را کفنه یک اطاق از آن اطاق
سرداب سرداب خراب کفنه آید در آن جوام در آن سرداب
سرداب همین کفنه نیز در آن کفنه یک کوه است در آن
در سرداب است سکونی دارد از آن کفنه یک کوه است
با جوام با بقعه را منظر داشت دو قبر است طرف اول
نام کوه سرداب کفنه اصل است ۳۱۹ شهر کوه
چهار طاقی در و مال یکی از وقت بزرگ مسافری
کفنه یک کوه است ۳۲۰ نام زاره کل زو شهر
طرف مشرق کوه در آن کفنه کفنه شهر طاقس
طلسم دارد

۳۲۱ در زاره فرسان شهر زاره است بنام زمان خول نقب در
وسط از کفنه کوه زاره است ۳۲۰ در همان زمان در کفنه
کویک میان تیر و قبله کفنه یک کوه است ۳۱۹ بالای
زمین کوه اجرام بالای هم پایه سنگی طرف مشرق کوه سرداب
که از اجاده اش نشان کوه نیز از کفنه کوه کوه کفنه با
در آنجا است طالب بادی و کوه را که در آن نیز کفنه از سنگ
که بعد از پنج بار زاره از آن کفنه مقبل تنبیه اسباب
وسط جاده کفنه سرداب است یکی طرف مشرق یکی طرف
طرف مشرق خوان است باید دعای کفنه شهر حفت تیر جوام
بر پشت بزرگ زو کفنه با آن آب غسل کند هر کس
سوره قل هر کس احد را بخواند با کوه فر اول در جوام کفنه
افوقت شوق کند آن شود اول از آن جوام کفنه سنگ
یک سنگ سنگ را در کوه کفنه تمام شود سنگ کفنه
روم وسط جاده کفنه یک کوه کفنه کوه کفنه در جاده
علامت جوامی کفنه کفنه دهد از آن تمام عمل خزان
به سمت آید

۴۲۴ کوه ۳۰ یابو جرمه عاقل در دوران قلعه قیصر اول از درگاه
قلعه که در اردشیر سنگ بزرگ آبی است آن سنگ از درگن بر
اورا کبش ۲۰ زرع یک ایک حلقه در مجموعه طلا در سن است ۴۲۵
شهر از نشان نزدیک کوه بی بی شهر بانو کوه به باغ طرف مشرق
آبادی قیصر نشان قیصر در راه او از کنار قیصر نشان قلعه کوچکی است
وسط بقعه چهارطاقی بوده خراب شده وسط چهارطاقی قیصر است
از دختر بهرام کور جام آبی در دست و چند مای طلا جوام
نشان دست بقعه خالی است کوچک در گردن دار ۴۲۶
چهار طرف مشرق آن جانب مشرق نشو که آب سرد چشمه سنگ
بالای چشمه بزرگ یک کوزه زر است ۴۲۷ امام زاده حسین
شهر تهران یک بقعه طلا یک خیمه طاهره می در درگاه کرم که در اردشیر
۴۲۸ امام زاده حسین
۴۲۹ چشمه سیاه شهر است نام کوه سیاه فقط یک گری سفید
در راهی که سنگ سیخ گوش است ده حجر کوه شهر پسیه است
افکار کلیند یک خم زر است

۴۲۹ پشت خار سرفی دره کوچک است توره خار است
اول خار که در اردشیر مالای سستف خار عاقلی دارا مانده
وسط خار عاقلی علامه کلیند یک ز است ۴۳۰ بالاش
چشمه علی که آب در ده سیون مراد تید است طرف مشرق پتیز
است که چشمه درخت است ۴۳۱ از درخت رویه پتیه
سرد هم قدم کلیند در پنج زرع وقت سنگ سرد سنگ کلیند ز سنگ
کچ و زغال است انرا هم کلیند یک بزرگ حلقه در است قیصر
امام زاده ۴۳۲ بالای زندان دی است قلعه کوشی در درگاه
رو مشرق جلوه در قلعه چند درخت جنگلی است بزرگ انبازی
عبارت نزدیک نوبخ سنگی به شکل چهار شتر افتاده در سنگ ۴۳۳
کلیند که پیدا شود بعد از پنج زرع سنگ چینی است زیر سنگ
نم از سنگ که بقا ۴۳۴ شهر نزدیک باغها درخت خلد اعظم
طرف غرب قلعه است بنام قلعه میاوش قلعه کوشی هم
میگویند درگاه در راه دارا از درگاه رو بقعه در اردشیر
وسط درگاه ۲۰ زرع کلیند یک خم زر است

۴۳۴ امام زاده ابوالحسن شهر درگاه وقت بزرگ است
شکل آفتاب با کوه در طرف آفتاب در آن سنگ کلیند
کوزه زر است ۴۳۵ امام زاده ابوالحسن شهر بزرگ است
وسط پتیه رو مشرق سنگ خند بزرگ باقی نشان ۵۵۰
مال تام و دنیا زان سنگ زیر سنگ ۲ زرع کلیند یک می در درگاه
سنگ کوشی است انرا بر در وقت پیدا شود آخر نقیب
و چند است طلا و س طلا اسباب جوام نشان هندو و
تا موت طلا و نه قنده و در ۴۳۶ افسان همان مکان سنگی
صورت چک است دست سنگ تید کوچکی است قیصر ان
کلیند ۲ جفت هندو است در آن رویت بزرگ در نشان
۴۳۷ در همان سنگ صورت خیمه بانو کوه از سنگ
کبود رنگ زیر سنگ نقش خیمه طرف مشرق کلیند بقعه اش
از جوام و خیمه جوام نشان ۴۳۸ سمت شرقی کوه امراه نشان
مزه است زندان برچی داشته شمس بوده تو بر ج چاه است در چاه
سنگست نقش بزرگ که در کوه در چاه است

۴۳۸ پائین کوه بی بی شهر بانو سر راه فراسان سینه
رو مشرق قلعه است کوشی در درگاه قلعه در اردشیر روی
ساخته آن جلوه ساخته آن سنگ سیاه رنگ سنگ کلیند هم زرع
از زیر سنگ را می پیدا شود داخل راه شرقی طرف دست
راست بر روی زمین هم خم زر سنگ کلیند است ۴۳۹
شرد یک خم زر است تو بر ج قیصر کلیند از نشان است
در آن قیصر جبهه جوام و یک شتر زر است ۴۴۰
سمت حضرت خلد اعظم از نشان میگویند از بانوان نشین
زیر سر یک شمع وان طلا بانیک مشرب زر است ۴۴۱
نشان سنگ آما در دره در روی طرف خاکش قیصر است یک
تید کوچیک در سینه پتیه سنگ کلیند ز زمین است
زیر اورام زرع کلیند یک ز است ۴۴۲ شاه زاده
عبد العظیم در آنک در طرف غربی انجا درخت خلد است
مسال تقابل درخت لیمو که تید کوچیک در وسط پتیه
یک زرع کلیند سنگ ظاهر شود زیر سنگ یک دیگر زر است
موقع کلیند سر راه افا کلیند هم انجا

سنگهای پایش دست کوه بی بی شهر با نرسد از اسان
 تیره کوه رو مشرق قله است کبریا از ده گاه تله وارد
 شرق جلوسا ختمان سنگ سیاه مثل سنگ جوی
 چکان کرده آهاده زیر سنگ از کوه کین دام پیدا شود
 از راه کوه وارد میشوی طرف دست راست از زمین
 انجام خم ز راست که کمان 54 قوی آباد ملک
 در یک از عمارت های سلطان ساسانی بوده تله کبریا نشسته
 وکل از یک بلشهار حضرت عبدالعظیم در آن عمارت جوی
 خانه داشته و قبیل زب او فانی است در زمان نبرد
 جرد اول اخی خزان از شهر هاشمی آورده بود اخی کذب شده
 در زمان نبرد چهارم ان عمارت را خراب کرده خانه را زیر
 جوی نهاد که کشته چهار کوه جوی خواند اقدیر مکرز مکنده
 با سنگ کوه که در جمله عیب بایران عمارت را خراب کرده
 خانه در اینجا مانده است

55 نرسد نزدیک شهر در طرف مغرب شهر تله است اوز
 فیروز اهرام کوه تله عمارت ساسانی بوده در جمله عیب
 بایران خراب کرد چهار تله عمارت بوده نیز اهرام فیروز
 است طرف قلعه خزان شاه اهرام است چهار تله و
 در یک کوه هزار شمش تله اینجا است 56
 ایضا سرتیپ روه کوه تمام است بالای او تله بوده در کاشان
 سلطان پیش ایران در اینجا صورتی از کاشی کشیده اند از طرف
 قبل تپه را کین تارا خلی تیشوی اگر از سرتیپ هم از غرب کین
 بمقتضی سرتیپ کاشیها قطع از 57 در تپه خلی که حرف
 بکوه سفید است در 58 کوه جلیله طرف مشرق تپه در کاشان
 عمارت سلطان تله چهار تله کوه در زمین از عمارت
 با تمام وسط تله در قله سنگ در بی عمارت بود در شرقی روی
 سنگ رو قبل تله سنگ طرف غرب سنگ در زمین طرف غرب است
 هم از زمین طرف دست چپ از طرف قبل که در این تله در آن سنگ است
 در کوه خانه در عمارت سلطان مود و اگر آن جمله خود را از زمین هم
 عمارت خراب کرد و از زمین سنگ سفید از سنگ بنائت سنگ تله در این
 پیش از کوه از وسط تپه در این سنگ سفید است که در آن
 پنج سلطان اینجا است

59 کوه بی بی رو قبل طرف اهنس آباد جنبه است
 جلوسا کوه رو قبل بالای آبادی سرتیپ سنگ سفید و کاشان در
 راست سنگ تپه سفید کوه را است قبل از وسط تپه که در
 سنگ کوه پیدا نشود در آن سنگ اهرام است که در آنجا تیشود اینجا
 هم سنگ تله در موجود است 60 کوه بی بی نزد کوه سه جهه
 است اهرام کوه کوه کوه در جهه از یک میده از سر آغ کوه راه
 راه طرف مشرق بر رنه خزان در است 61 کوه بی بی جنب
 شما کوه بالای دولت آباد از جهه است اهرام کوه کوه کوه کوه کوه
 پیشین در در میده چاه سمت مشرق از آن سنگ صورت آدم همان
 نقش است پشت سنگ راه خزان است در آن کوه می رود
 خزان سلطان سیخ و طغران شاه است 62 چشم علی
 چشم است علامت پیدا است سر حد قدسی از در کوه رو قبل
 سر از آن کوه در باقی است مال سلطان پیش رخ با جوامه زیاد
 سر حد قدس در رفته است مال در رفته است 63
 میخوام وارد رخن بی بی شهر بانی تیشوی بله میخورد وارد
 چینی تیشوی است راست بله بله چینی است زبیر سنگ
 چینی و قینه است در زبیر سنگ چینی

64 کوه بی بی اول تله کوه بالای بلدی ساق آتش
 کوه بوده بعد تپه خانه شده زمان طغران در جهه جزا تپه راه
 فله از خزان و در طرف در اینجا رخ است جنبه از زمین
 این تپه هم از زمین از عمارت رفته است هم تابوت سرتیپ
 طرف راست که زنه داف است یک بله زمین با اهرام
 کوه یک کوه کوه کوه کرده اند اما متقی از این چهار سلطان نراه
 در یک مغرب وجه توت اینجا است با جوامه هزار شمش
 طلا از مغرب و فنی کوه 65 در رجهه اشموز نظام
 آب است و زمین تپه است قله بوده از آن تله که
 علامت از طرف شمال آن تپه دم قله هم آب است قله سنگ
 سنگ مرصفتش از اینجا کجا و نراه نمایان میشود 66
 کند تله قله معلوم میشود در بر روی کوه کوه کوه کوه کوه
 روز و سفید نظام شده راه در رویه و وسط جوامه طاق
 سر که پیاخته فحارت بر طرف شود اطاق نمایان میشود
 در آن اطاق هست خم معجون هم مریض شفا
 و بیهوشه را جوان کند

۳۵۵ ملک ری بیست آج و ایند و عراج حمام خراب است وسط
حمام از سر بر یک خر و طلا است طلسم دارد و ۵۵۵ ما پیش
امیر تاج بهار دیده است خالقی سیار رنگ چشمه کام از جاده سنگ
چوین است بالای تپه سنگ بسیار دارد یک سنگ کبود عریض
بالا ای تپه نیز سنگ ایجا و یک دیگر از است ۳۵۵ حواله مقبر
بی بی خرم با فوسمت جنوبه در اوجی زان است در زان سنگ
چین است در زان را باز کند یک زان وسط و باغ را میخواند
کچ و زغال باز یک زان کند یک کوه زغال ها و ان که رسیده
۳۵۸ در ملک در مقابل کوه بی بی برج است برج طلسم
و برج میر کوه در ان برج قوریز است از ان سنگ کوه کوریز
ظاهر شود ۳۵۹ خوف آباد قوت جانی است بلند همان
فتیله کند مال زیاری در است آید نشسته مقابل قلعه دولت
آباد سنگ بزرگ است نیز همان سنگ مال زیاری است
۳۶۰ آب اندمان میزان در وقت و امام زاده ابو الحسن
موقوفه مقبره یک دیگر از است که در اب

۳۶۱ شهر رحمت دولت آباد در زمین زار هم بقدر در دست
میان سنگها و در خطا بنیاد و نقل بزرگ بران زوده در باره سنگ
زمانت جلا کوهان بی ضلالت سنگ حمام بیدار کوهی نیست
باغها حضرت عبدالمطلب و در حمام است در حمام سنگ خرد میان
حوض حمام مقدس است از کاشیهای الوان همان حوض ایست
زاد بلند هم شرف در سمت راست حوض ختی است از سنگ کوه
پنج زان ختی کلمه مندرق طواف چنین و طلا است ۳۶۲
چشمه شتران راست سنگهای موجود پنج قدم از زان کلمه یک
دیگر است ۳۶۳ در آب انبار سید اسحق شتران در لوله سوم
آب انبار سنگ است خط منقلب در درم زان سنگ سنگ یک
زاست ۳۶۴ در بالا در قریع آن آب انبار است قدس
یک سنگ شتران کوه یک بالای آب انبار نصب است فخته
اندر شتران سنگ خرد همان ان سنگ چند ان حوض است
۳۶۷ در زان کوه بی بی در شری در خیز بالای کوه اول خانه
است نیز در سمت اول خانه نفاصله هم قدم رو به شرف
دست راست رو به قبل تپه را از آجر پاره را در زیر سنگ است
بین سنگ و تپه را در ان سنگ کاشی کبود یعنی حوض ان خاک
بالای خاک یک شیشه آبی است

۳۶۸ در فاصله صد کام از تپه در خرم یک در سمت غرب مایل
جنوب تپه خاک تپه رنگ پلور تپه علامت هم بقدر از سنگ اطلاق
منور از چشمه و هم پلور تپه سنگ در شرف آجر دیده
آجر از راه دیده از سنگها رنگ زرخ سنگی مثل تابوت روی او را
فوتنه اندیز سنگ کعبه است کعبه را بر انداخته سنگ بال آب
طلا بود ق آه فوخته بود در زان است نام این فوخته خاک
نزار ۳۶۹ کوه بی بی برج است سنگ کوه نفاخته نوره
فوشا خوش است یک تپه کوه بی بی روی سنگ زمین ملک
احمد نام مقابل در غار قلعه است قلعه چهار برج دارد
میان هر چهار برج آنک ز زمین اندازه روز نیم شبای کند
را بی نمایان شود سمت برج اول طرف مشرق در و در نیز
زمین تمام طلا و اموال موجود است فوخته و زان
برج سیم را از طرف غرب مقابل قلعه سنگ اسباب کردن بند
ویند نیز و از است منور از ۳۷۰ برج چهار طرف شمال
غرب راه برج است از خرم یک در ان شهر یک سنگ بر رانده
یک حوض از طلا کعبه برج ابریم با بی و فوخته سنگ مثل در کوه

۳۷۱ مقابل برج سنگ است زان کوه کعبه از شهر بار
۳۷۲ کعبه حج چهار کعبه یک هم شرفی سنگ لعل زان کعبه
نقب است بر زمین سرودمان را بی از سنگ در سنگ موجود است
۳۷۳ چشمه علی هکلی که او را کوه کوه کعبه نیست ان تپه
خاک نشود همه در وسط همان تپه را در زان کعبه نفس الطاف
وسط اطاق چاله است همان چاله را کعبه قدسی پیدا شود ایما
طلا ۹۹۹ چهار وزیر شلخت نزار ۳۷۵ کوه که کوه او را فتح بر
دارن نور شاه هموار است بقا در منور کعبه سنگ مندرق پای
سنگ از زان کعبه در ان خاک شونند زان است بگو بند انفتو را کعبه
ازین تپه در غار است در سنگ ختی کعبه اندیز سنگ کعبه
تا طبل بر سر بر او تنگی زان یک مندرق امامت نور شهر بار است
۳۷۶ کوه بی بی رو باقیاب در آمدن غار است در غار سنگی امانه
سنگ رنگ آبی در شرف نور و در یک دیگر از شرف وقت کند ۱۲
متره تاق و قلعه انوار کوه انوار وسط غار کعبه کعبه
حاصل است لا اقل کوه بی بی غار است همان سنگ است
مهورت سنگ آسپان زان سنگ ابریم کعبه در ان شهر بار
و صدر تپه لا اله الا الله هجوه

۷۸ موالی کوه بی بی شهر با اختلاف قلمها است در او را با سنگ کوفته
از او است که در وسط غار هم قبر است یک قسم از سویا قبر وسط کوزه
جواب قبر هم یک کوزه قاف سوره فوجیه ۲ مرتبه بخواند بعد بکند
۱۱ م زاده الوالحش شهر قلم خراب است زهر
رست قلم آ سیاب وارد قلم شده یک
سنگ یک زرع نیم طول نیم زرع در نهان سنگ
یک زرع بکنند کوزه زر است سوره تک
شهر آن ۲ نند است بالاتر قنات روهم در نند زهر
طرف قبله تخت سنگ افتاده بقدر یک زرع جوار
رو سنگ نوشته سر شتر افکنی نه شتر اخو بر سنگ
نکنند تو رو جوامر است در او با شمر آن رو بر
سمت جنوب است وسط استخر را بکنند یک زرع سمت
جنوب همان است یک گام فاصله سنگ گاه نقش طاس
در او مقابل طاس کنگنه یک طاس زمانت زهر
کوه تو جبال شمر آن مکانی است انجا را قبر ارس
گویند سلفیت نظر کوهی در او سنگ قبر چهار

طرف مشرق سنگ ارس بکاوید یک زراب است
شهر روهم در اینس قبر ابر باد میان اهر بار باغ
فامس قلم است از زمان کیان زمان خیلند
قبل از رسیدن خیلند از ارس کیان نبرد بوده انجا
گذشته اند از سر بقیه مار رخ بکنند پیشینه زیاد انجا است

۵۹۰
۵۸۱

۷۹ شهر بارام زاده عبد العباره ایک طرف رو فغان کوه سرور
ملکیت مشهور و نامش در یک جا است و قنات شاه سوزی که ساسانی
فعل کا و سوزان شایع بوده انجا یک کوهی است در او نیم کوه و در
با آن ساسانیان قبر وسطه بکاوید یک کوه زمانت زهر
در همان کوه طایفه مشهور تر از علمت برج ظاهر است میان
برج ارس کنگنه هم خلاف زر است هم در دو کوه سفید اما کنگنه زهر
۸۱ کوه شتر شمر بار فخر تمانی در او کنگنه از زمان ساسانی در او زهر
میل یک طاس زر است از آن وزیر شاه علی شهباز شمر بار فخر
در آن فراتر از آن کوهی است میان بله جوس را یک زمانت
در او کوه ۸۲ علی شهباز نام زاده در او در او در وقت خیلند بسیار
بقیعت نام زاده در او در زمان خیلند میان سنگها سنگ است
خلفه نقیب با کشته اند سنگ کوه را نند بقیعت سنگ نقش کوه
زهر او را در ارس بکاوید یک زرع است امانت وزیر شمر بار
سویا قبر در او در آن مسجد سراب است میان سراب هم کوزه سفالی
در امانت زهر و در کنگنه هم بار فخر تمانی در او در امانت زهر
قنات در او کوه شمر بار فخر شمر زهر انجا کوه نقیب زهر او در
بلا کوهان کنگنه سنگ شمر بار فخر کوهی کوزه در او را با یک سنگ کوه
است امانت میان آن قنات ارس بکاوید کوزه سفالی زر است

۸۳ کوه شتر شمر بار فخر زهر است مشهور بیک زرع است قنات در او
امام زاده است در ملک علی امام زاده است در کنگنه شمال آن کوه است
وصلی هم بقیه میان انجا کوه یک ربع پیدا شود زهر آن سنگ کوه
مالیات هم ساسانیان بار او است خلاف زهر در او کنگنه امانت
خفت زهر هم زهر است مشهور بیک کوه آبا در ملک انجا کوه در وسط
ان کوه شمر بار شمال سنگ گاه است قریب بقیه هم جوس در او زهر
سوزان کوهی که قنات زر کنگنه صاویبه ۸۹ کوهی که قنات زر کنگنه زهر
حیدر اهر قنات زهر ارف حوض نسان از او سیاب مار و کل در او کوه
نوزده ۹۰ کوه شاه شمر بار سیاب خور که در او قنات زهر کوهی این
سیاب هم قنات زهر است در سنگ کوه کنگنه زهر سنگ ارس
سیکاوید یک کوه زر کوهی بالان که کما و فقه شمر بار در او کنگنه
ماری موکل در رو خانی فاکس کوهی از طلب سنگ کوه ۹۱ کوه
آبلا شمر بار سمت شمال تپه در او کنگنه در وسطه در او زرع
سیکاوید زهر هم سید شمر و قنات زر کوه در او کنگنه شمر بار کوه
شهر و میان سراب هم خورز طلا هم خورز شمر بار طلا است
۹۲ کوه نقیب غنچه نام زاده در او کنگنه امانت زهر در وقت خیلند
تقابل در وقت سنگ زهر بار امام زاده نقیب طلا هم خورز طلا است
کوه امانت زهر سنگ یک کوه زر کنگنه سلطان هم کوه یک کوه کنگنه
تپه هم بقیه در او زهر است قنات زهر امانت زهر یک کوه کنگنه
امانت وزیر است

۹۴ فی بی سکنه شهر را بر چند اسم گویم دارد سر چشمه بم قمر
قبر وسط را مکنده نام از امانت پیر زین ۹۵ هم ابراهیم آباد
شهر بار جویش نزدیک چشمه یک میدان از قلعه در هم سنگ
سیاه بزرگ مثل کاو است باین علامت ریز او را ۹۶
ارزش مکنده نیز زمین است اسطوخودوس مال طلا و اینها
چنگل نجی بسیار است ۹۷ در خوشی ابراهیم آباد
فرگور را الویش مکنده نیز یک چشمه صورت قدسنگ سیاه
حکمت نام افخاست ۹۸ ارزش بگاو نام دیگر است
۹۷ ابراهیم آباد از غریب تپه است خاک او سیاه و وسط
قمر زین سنگ مرز که عکس طلای دارد ریز او را مکنده یک ریز
۹۸ نیز یک چشمه تپه که یک است و در قبله وسط تپه را
مکنده یک چشمه نیز زینکه از اسب ۹۹ شهر با کوه وین قلعه
کبر را در مال آتش برستان طرف ساقتمان قلعه و در مغرب
مهر از انظر مغرب بکنی بی بی قلعه میرسد اینجا اطاق است
توی اطاق شوروی سوره یک کوه چهار چشمه بر آرز

۹۵ کوه و درین شهر را قلعه کبری همان قلعه ابراهیم است وسط
تپه را پیر زین مکنده بسیار و در حدیث بسیار چشمه یک ریز سنگ
یکدیگر زینکه دارای سنگ نیز یک وقت رستینه چای است کاس
قبر دیگر از سر در آن ریز آن قبر میدان چهار چشمه است کوه بی بی
سنگینه چشمه آب که سر چشمه دارد ۱۰۴ از غرب مقبره طرف
به سمت قمر و یک بیت حلالا امانت خضر و بر و نر است مکنده
کوشته شهر را بر قبرستان شهر و بود در آن قبرستان چهار طاقی
دارد و در قمر در جوار طاقی قمر وسط را مکنده یک کوه طلایوزن ده
۱۰۲ در ج مکنده چشمه اختر کوه را مکنده آباد در قلعه بسیار حیوانات
چاه یک چشمه سنگ در جاده کوه است سنگ را در آن داخل میشود
را بر کوه از جنوب می رود با جوی در اطاق سنگی مرید سنگ کوه
اطلاق بر آرز و غریب تپه است و چشمه و یک دست اسطوخودوس
و لیس و اینها و کوه در آن داخل موجود است ۱۰۵ در غرض آباد
شهر بار کوه آتش کوه دارد آتش کوه را بسیار چشمه است
یک قبر بنام شاه رخ آن قبر را مکنده یک چشمه و در آن کوه و در اساس
شاه رخ موجود است چشمه شامی شهر بار نیز کوه کوه آتش کوه را در
نوبه یک جاده امام باقی آسنا تپه و در آن قمر وسط را با کوه و زمین پدید شود
از سنگ ساراسه زیار و در او نوشته شد با اشیاء سیاه رنگه اینجا است

۱۰۵ مقابل تخت رستم مکنده است خاکش رست و وسط تپه را
بگاو و کوه پدید شود وسط یک کوه از امانت پیر زین ۱۰۶
شهر ازین شهر بار قلعه فراب کبری دارد سمت شرق قلعه تپه از در
وسط تپه را بگاو و علامت پیر و آجر پدید میشود از او یک کوه
امانت سلطان محمود ۱۰۹ با باستان شهر بار قلعه فراب کبری
دارد وسط در دراز قلعه را مکنده یک کوه فراب زینکه کرده
۱۰۷ نوبه از طرف مغرب تپه دارد در مغرب
یک کوه است سمت قلعه در حصار مکنده کوه زینک بی بی
سنگینه شهر بار بیرون در سنگیت نشان آمو آورد نصف
کوه کرده اند جای نظر آمو را مکنده مال زیاد است کوه شهر بار
رو در کوه باج امام زاده عبدالقادر فراب و جوام فراب در در پیکه
یا شود جوام سنگیت نقش بپیکر بر در در زین همان سنگ
یک کوه فراب از جوام است سنگ بی بی سکنه بیرون جوام
چهار درخت است در شرق کوه فراب است نزدیک آن تپه
وسط تپه را بگاو و یکدیگر از سنگ با چشمه در پشته
امام زاده منصور یک آلا ناک دارد اینجا قبر است آن قبر را
مکنده یک کوه زین است

۱۰۶ در قبر شاه زاد منصور ریز مکنده یک جعبه جوام
ورود شاه شهر بار ۱۰۷ حوالی بی بی سکنه در حوالی ان شهر
است بقعه وسط قدر بزرگ است میان بی بی تپه قبر
دارند است قبر وسط راه زین عین بگاو و در حصار است از ساراج
در آن در شیب حلالا وسط ۱۰۸ جوام در هم فرسنگ نزدیک
۱۰۷ ده شاه شهر بار در قبرستان کهنه تپه است با بقعه سر قمر
سنگینه آقا در قبر میان بگاو و در هم شرب زین شهر بار
۱۰۸ علی شهباز جوام فراب کبری دارد در بار شهر جوام سنگ
مربع ابلق سنگی کوه باوشیده اند زین آن سنگ یک کوه از
۱۰۹ امام زاده عبدالقادر حوالی فراب و جوام فراب نیز در پیکه
خرقده آن یک طاس جوام است امام زاده قاسم آباد
شهر بار حنی سار و آستانه دم راه بالا از او ابلق و یک سنگی از
قاسم آباد آستانه در در سوزن آستانه دم را دینیس
رو در رخت سر و بیلو درخت سنگ زین او را بگاو و
دقعه است هم فرمیت با تپه برام سرقاسم آباد آستانه از